

صفر تا صد مراحل نوشتن و چاپ کتاب

(چگونه از ۹ تا ۹۹ سال با هر تجربه، مدرک و مهارتی نویسنده شویم؟)

نویسنده: محبوبه بهاری



انتشارات قلعه شنی با هدف اشاعه فرهنگ مکتوب نمودن
باورها، تفکرات و تجربیات هر انسان و تبدیل آن‌ها به یک کتاب
ارزشمند، این مجموعه را گردآوری کرده است.

این کتاب را با احترام به جناب دکتر حسین شیر محمدی تقدیم
می‌کنم لازم به ذکر است بخش عمده نوشته‌های من در این
کتاب از اطلاعاتی است که در محضر ایشان کسب کرده‌ام.

فهرست:

| | |
|----|---|
| ۶ | مقدمه |
| ۹ | فصل اول: چرا باید نویسنده باشم؟ |
| ۱۰ | نویسنده چه کسی است؟ |
| ۱۲ | چرا باید کتاب چاپ کنم؟ |
| ۱۷ | فصل دوم: چگونه باید کتاب بنویسم؟ |
| ۲۰ | انواع کتاب |
| ۲۱ | انواع سبک نگارش |
| ۲۵ | ژانر چیست؟ |
| ۲۶ | همه چیز در مورد نوشتن کتاب‌های غیرداستانی |
| ۲۶ | انواع ژانر کتاب‌های غیرداستانی |
| ۳۲ | انتخاب موضوع |
| ۳۳ | قالب‌ها و ساختارهای نوشتن |
| ۳۷ | چندین راه دیگر برای نوشتن کتاب |
| ۴۱ | ایده‌ها و روش‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات |
| ۴۱ | نام سایت‌های معتبر برای یافتن اطلاعات |
| ۴۹ | راهکارهایی برای نوشتن بخش‌های مختلف کتاب |
| ۵۷ | انتخاب نام کتاب |
| ۶۰ | کتاب‌های داستانی |
| ۶۳ | انواع ژانر کتاب‌های داستانی |

| | |
|----|---|
| ۶۶ | نوشتن داستان |
| ۶۸ | مختصری از مفیدترین نکات در داستان‌نویسی |
| ۸۱ | برخی تمرینات برای بیشتر نوشتن |
| ۸۴ | فصل سوم: چطور کتابم را چاپ کنم؟ |
| ۹۰ | چک‌لیست کتاب |

مقدمه

ممکن است دلایل زیادی پشت انگیزه‌ی هر فرد برای نوشتن و چاپ کتابش باشد اما از نظر من انسان بعد از شناخت خود و پیدا کردن معنای زندگی باید نسبت به آنچه هستی به او ارزانی داشته ادای دین کند و کتاب به‌عنوان یک بازپرداخت ماندگار به بهترین شکل می‌تواند این دین را ادا کند ابزاری که حتی بعد از مرگ ما نیز در حال انتشار آگاهی است شاید بگویید من که نویسنده نیستم، نگران نباشید از طریق این کتاب در هر سن با هر تجربه و مهارتی توانایی پرداخت دین خود را پیدا خواهید کرد.

در این کتاب از اولین قدم‌های نوشتن یک کتاب تا چاپ آن همراه شما خواهیم بود تا قدم‌به‌قدم مراحل گردآوری و یا تألیف یک کتاب را به بهترین شکل پیش ببریم مطمئن هستیم که بعد از تمام کردن این کتاب خواهید گفت این کتاب یکی از پربارترین و کاربردی‌ترین کتاب‌هایی است که تا به حال خوانده‌اید حتی اگر تا به حال قلم در دست نگرفته‌اید با خواندن و عمل کردن به آموزش‌های این کتاب نویسنده خواهید شد و اگر چیزهای زیادی نوشته‌اید و می‌خواهید یک اثر از خودتان به یادگار بگذارید اما نمی‌دانید چطور آن‌ها را به یک کتاب تبدیل کنید به شما در انسجام نوشته‌ها و چاپ کتابتان کمک خواهیم کرد.

در هر صورت چه مرد، چه زن، چه پیر، چه جوان می‌توانند این کتاب را مطالعه کنند و صفر تا صد کتاب نویسی را نه تنها یاد بگیرند بلکه بعد از خواندن این کتاب به یک دستاورد بی‌نظیر یعنی چاپ کتاب خودشان برسند.

این کتاب با این هدف که دیگر کسی آگاهی را نزد خودش اختکار

نکند و بتواند به‌سادگی تجربه زیسته خود را در اختیار دیگران قرار دهد دسترسی شما به رؤیای نویسندگی را آسان می‌کند.

شاید فکر کنید که اصلاً شما نمی‌توانید نویسنده شوید مثلاً فکر کنید که در رساندن منظور خود به دیگران مشکل دارید و یا اینکه املا و دستور زبانتان برای نوشتن خوب نیست و یا فکر کنید من کجا و نویسندگی کجا تمام این مسائلی که نگران‌ش هستید با کمک یک ویراستار حل خواهد شد مهم ایده و بینش شماست که با انتشار کتابتان آن را در اختیار بقیه قرار می‌دهید اگر می‌گویید کسی به ایده شما نیاز ندارد سخت در اشتباهید هر انسانی تجربه منحصر به فردی دارد که دیگران نداشته و در موردش کنج‌کاو هستند

علاوه بر این کتاب دستاوردی است که از آن کسب درآمدی خاموش خواهید داشت درآمدی که فقط یک‌بار برای خلق آن زحمت کشیده‌اید اما تا پایان عمرتان حتی بعد از شما برای ورثه سود مالی و اعتباری خواهد داشت اگر با پرسیدن این سؤال که از چه چیزی باید بنویسم قصد منصرف شدن از خواندن کتاب را دارید باید بگویم که در این کتاب به‌طور مفصل در مورد اینکه از چه چیزی بنویسید صحبت کرده‌ایم اگر باهم پیش برویم شما در انتها یک یا چند کتاب چاپ‌شده و یا در انتظار چاپ خواهید داشت مطمئن باشید اگر زنده هستید و زندگی می‌کنید چیزی برای نوشتن و ارائه به مخاطب خواهید داشت.

سؤالات متداول که با خواندن این کتاب جواب خواهید گرفت:

تابه‌حال دست‌به‌قلم نبردم ولی فکرهای خوبی تو سرم دارم
چکار کنم؟

من مدرک تحصیلی ادبیات یا نویسندگی ندارم می‌توانم نویسنده

شوم؟

چند وقت که می‌نویسم می‌خواهم نوشته‌ها مو چاپ کنم چکار
کنم؟

دستور زبان بلد نیستم ولی ایده‌های خوبی برای نوشتن دارم
چکار کنم؟

نوشته‌هایم در مورد موضوعات مختلف هست از یک موضوع چند
تا مطلب ندارم چکار کنم؟

برای انتخاب ژانر مردد هستم نمی‌دانم در چه ژانری استعداد دارم
چکار کنم؟

این کتاب شامل سه فصل کامل و کاربردی است: فصل اول: چرا
باید نویسنده باشم؟ فصل دوم: چگونه باید کتاب بنویسم؟ فصل سوم:
چطور کتابم را چاپ کنم؟

شاید شما بتوانید با مراجعه به گوگل و کلاس‌های آموزش
نویسنده‌گی مطالبی در این باره پیدا کنید اما این کتاب جامع‌ترین
اطلاعات را در خود دارد؛ اتفاقی که با خواندن این کتاب برایتان
خواهد افتاد کوچ شما تا مرحله نویسنده شدن و چاپ کتاب است و
مطالب کتاب به ترتیب اهمیت و کاربرد، جمع‌بندی و نظم دهی شده
است و این شمارا مطمئن می‌کند که مطلبی از دست نداده‌اید.

فصل اول: چرا باید نویسنده باشم؟

شاید خیلی‌ها به این سؤال فکر کنند که (چه چیزی باید بنویسم؟) زیرا از کسی که این کتاب را برای مطالعه انتخاب کرده پرسیدن چنین سؤالی دور از انتظار نیست اما شاید بعضی از افراد یک مرحله قبل‌تر از این سؤال باشند که (اصلاً چرا باید بنویسم؟) برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بگوییم که نویسنده کیست و بعد به دلایل نویسنده شدن پردازیم و در فصل آینده به‌طور مفصل به پاسخ سؤال (چه چیزی باید بنویسم؟) می‌پردازیم.

نویسنده چه کسی است؟

خیلی‌ها فکر می‌کنند که چون مدرک تحصیلی ادبیات و یا نویسندگی ندارند نمی‌توانند نویسنده باشند اما این یک باور غلط است برای نوشتن نیازی به مدرک ادبیات نیست البته این باور را کسانی دارند که وقتی اسم نویسنده می‌آید کتاب‌های داستان را به یاد می‌آورند جالب است بدانید که برای نوشتن رمان هم نیازی به مدرک تحصیلی ادبیات ندارید و به راحتی می‌توانید داستان خودتان را بدون هیچ مدرکی چاپ کنید.

در کل هرکسی که می‌نویسد را نویسنده می‌گوییم نوشتن کتاب محدودیت سنی و شغلی و مهارتی ندارد از ۹ تا ۹۹ سال با هر ایده و تفکری و با داشتن هرگونه مهارتی می‌توانید بنویسید و دانش، بینش، ایده و مهارت خودتان را به کتاب تبدیل کنید

اما گاهی نمی‌دانیم که فرق بین نویسنده و مؤلف چیست و اگر کتابی نوشتیم با چه عنوانی باید اسم خود را روی جلد بیاوریم. مؤلف کسی است که علاوه بر اطلاعات موجود در جهان حرف جدیدی برای گفتن داشته باشد و چیزی به دنیا عرضه کند که قبلاً در آن

زمینه بیان نشده است و از آنجاکه مؤلف صاحب حرف و ایده جدیدی هست که قبلاً گفته نشده امکان کپی کردن آثار یک مؤلف وجود نخواهد داشت.

نویسنده موضوعات موجود را با روشی متفاوت بیان می‌کند که در اینجا میزان خلاقیت نویسنده برای انتخاب موضوع اثرش و چگونگی بیان آن مطرح است که شعر، داستان، مقاله و وبلاگ نویسی می‌تواند از آثار یک نویسنده باشد هرچند که آثارش بانام خودش منتشر نشود. علاوه بر عنوان نویسنده عناوین دیگر را بشناسید:

تألیف

حاصل تحقیق و پژوهش نویسنده و نوشتن کتاب با مطالب نو و دست‌اول

ترجمه

نویسنده کتابی را از زبانی به زبان دیگر ترجمه می‌کند ذکر اطلاعات مربوط به کتاب اصلی الزامی است

تألیف و ترجمه

نویسنده ترکیبی از کار تألیف و ترجمه را انجام می‌دهد

تصحیح

تصحیح متن، اولین قدم در راه تحقیقات ادبی و تاریخی است. در واقع هر کتاب کهنی را که به صورت چاپ شده از کتابخانه یا کتابفروشی تهیه می‌کنیم، توسط مصححی تصحیح شده است. کتاب‌ها، دیوان‌های شعر قدیمی و غیره به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌ها و موزه‌ها نگهداری می‌شوند و مصحح با تصحیح کتاب‌ها، آن‌ها را به چاپ می‌رساند.

گردآوری

نویسنده مطالب کتاب‌ها، مقالات و متون نویسندگان دیگر را با

کسب اجازه و ذکر منبع در یک مجموعه جمع‌آوری کرده و تبدیل به کتاب می‌کند

گردآوری و تألیف

ترکیبی از کار تألیف و گردآوری

گردآوری و ترجمه

ترکیبی از کار ترجمه و گردآوری

حال که مفاهیم بالا را به‌درستی درک کردیم باید به دلایل و اهمیت نویسنده شدن پردازیم و به این سؤال پاسخ دهیم که چرا باید کتاب چاپ کنیم.

چرا باید کتاب چاپ کنم؟

بین صدها دلیل برای نوشتن کتاب بهترین دلیل می‌تواند تبدیل (دنیا به‌جای بهتر) باشد که با انتشار تجربیات و مهارت‌های شما و بالا بردن سطح فرهنگ و آگاهی دیگران اتفاق خواهد افتاد. علاوه بر این کتاب می‌تواند یک رزومه خوب برای تخصصی که دارید باشد و همچنین با داشتن کتاب خودتان سریع‌تر می‌توانید اعتماد دیگران را در آن زمینه جذب کنید مثلاً اگر خیاط هستید نوشتن یک کتاب در مورد آن نه تنها نشان می‌دهد که چقدر شما در کارتان نکته‌سنج و دقیق هستید بلکه علم شما را نسبت به کارتان بالا خواهد برد و همین موضوع باعث توسعه کسب‌وکارتان خواهد شد کتاب‌هایی با عنوان‌های اشتباهات رایج یک خیاط، پرهیز از دوباره‌کاری، روش نگهداری و استفاده از ابزار کار و غیره شما را بیش از بقیه خیاط‌ها بامهارت نشان خواهد داد.

کتاب یک اثر ماندگار است که شمارا جاودانه خواهد کرد حتی بعد از مرگ هم چیزی از شما به یادگار مانده که هنوز حرفی برای گفتن خواهد داشت و در کل نوشتن برای تمام انسان‌ها امری ضروری است آمار موفقیت و شادی در جوامعی که فرهنگ مکتوب دارند بیشتر است آن‌ها با نوشتن اتفاقات زندگی، می‌توانند بحران‌های زندگی را مدیریت و رسیدن به خواسته‌هایشان را آسان‌تر کنند.

امروزه با استفاده همه‌گیر از فضای مجازی و دیدن ویدئوها و کلیپ‌های متفاوت از تجربیات انسان‌ها به‌خوبی متوجه آن هستیم که هر نوع تجربه و دانایی ما از کوچک‌ترین موضوعات، موردپسند و استفاده دیگران خواهد بود. از نحوه درست چسباندن چسب زخم به انگشتمان تا لکه‌گیری لباس و یا رانندگی با ماشین‌های سنگین همه و همه مهارت به‌حساب می‌آیند و با کتاب می‌توان بخشی از این مهارت‌ها را به‌صورت منسجم و نظم یافته در اختیار دیگران قرارداد مانند کتاب همه‌ی آن چیزی که رانندگان جاده باید بدانند. با نوشتن چیزی شبیه به کتاب راهنما در مورد هر چیزی که می‌توانید به دیگران یاد دهید بسازید.

ما در قبال آنچه هستی به ما بخشیده مسئول هستیم و اگر تنها بودیم یک ساعت هم بر این کره خاکی دوام نمی‌آوردیم پس وجود ما به برکت وجود دیگران است پس باید به‌نوعی ادای دین کنیم؛ کتاب راهی مناسب برای این کار است.

اگر درزمینه شغلی و یا کسب‌وکار خودتان کتابی چاپ کرده باشید آن کتاب رزومه تأثیرگذاری برایتان خواهد بود و یکی از عوامل تأثیرگذار در برندسازی است.

نگاه مردم در جامعه به کسی که کتاب نوشته است این‌طور

است که آن فرد وقت خود را برای انتقال آگاهی و تجربه به دیگران گذاشته است مردم برای چنین فردی احترام زیادی قائل می‌شوند و نوشتن کتاب اعتبار و جایگاه اجتماعی را به ارمغان خواهد آورد.

کتاب روند یادگیری است وقتی موضوعی را برای نوشتن انتخاب می‌کنید با تحقیق و پژوهش بیشتر برای نوشتن کتابی پربارتر و کامل‌تر خود نیز اطلاعات جامع‌تری در مورد موضوع کتاب کسب خواهید کرد و این باعث رشد شخصی شما خواهد شد.

مردم به صورت ناخودآگاه نویسندگان را دوست دارند و برای آن‌ها احترام قائل هستند و همچنین اگر کتابتان پرفروش باشد محبوبیت و شهرت زیادی کسب خواهید کرد.

بین دو نجار تمایز بسیاری وجود خواهد داشت اگر که یکی از آن‌ها در مورد نجاری کتاب نوشته باشد و قطعاً مردم می‌گویند فردی که در مورد نجاری کتاب نوشته است اطلاعات کامل‌تری دارد و وسیله‌ای که او می‌سازد کیفیت بیشتری خواهد داشت و این باعث رونق کسب‌وکار آن نجار خواهد بود.

من یک تجربه زیسته هستم که اگر یک کتاب بنویسم و آن را در اختیار هزاران نفر قرار دهم خودم را تکثیر کرده‌ام.

با نوشتن کتاب باعث می‌شویم که فرزندانمان به ما افتخار کنند.

بسیاری از افراد توانایی شرکت در کلاس‌های آموزشی پرهزینه را ندارند چقدر خوب می‌شود که ما با نوشتن یک کتاب کامل و ارزان نیاز آن‌ها را برطرف کنیم.

مردم کتاب شمارا هنگامی که در خواب هم هستید خریداری می‌کنند و این یک درآمد غیرفعال است که شما برایش هیچ کاری

انجام نداده‌اید.

کتاب مانند فرزند شماست وقتی کتابی می‌نویسید انگار چیزی خلق کرده‌اید و این حس با هیچ حسی در دنیا برابری نخواهد کرد به همین دلیل است که اکثر نویسندگان روز چاپ کتابشان را ثبت می‌کنند و به آن روز تولد کتابشان می‌گویند.

شما با نوشتن کتاب یک محصول خلق می‌کنید که فقط یک‌بار برایش وقت گذاشته‌اید و این محصول تمام‌نشده است و تا ابد می‌ماند.

نوشتن کتاب باعث می‌شود شما خودتان را همان‌طور که هستید بپذیرید و کتابتان را در هر سطحی که هستید چاپ کنید و به این فکر نکنید که صبر کنم تا مدرکم را بگیرم یا صبر کنم تا دو تا کلاس بیشتر بروم یا صبر کنم تا در این زمینه مهارت بیشتر کسب کنم اگر بعداً بهتر شدید کتاب جدیدی خواهید نوشت که بهتر از قبلی باشد در کل نوشتن کتاب یعنی کنار گذاشتن کمال‌گرایی و رسیدن به عمل‌گرایی.

شما مجموعه‌ای از توانایی‌ها و تجربه‌ها خصوصیات رفتاری هستید که می‌توانید با ارائه کتابتان به دیگران نشان دهید با ارائه کتابتان بخشی از خودتان را به مخاطب معرفی خواهید کرد و همیشه این‌گونه معرفی اعتمادسازی بیشتری خواهد داشت مثلاً بین یک راننده‌ی معمولی و یک راننده‌ای که کتابش را در مورد فوت‌وفن خودرو جهت استخدام ارائه می‌دهد فرق بسیاری وجود دارد و با نوشتن کتاب سلف مارکتینگ صورت می‌گیرد.

مدرسان این را بدانند که برای آموزش حضوری ساعت‌ها وقت و زمان نیاز است و شما نمی‌توانید شغل دیگری جز تدریس داشته

باشید اما نوشتن کتاب همان تدریس و آموزش به دیگران به صورت غیرحضوری بدون اتلاف وقت و هزینه است.

دلایل زیادی برای نوشتن کتاب وجود دارد که از حوصله برخی از خوانندگان این کتاب خارج است اما گمان می‌کنم با دلایلی که بیان کردیم الآن برای نوشتن کتاب مصمم هستید پس باهم فصل اصلی کتاب یعنی چگونه نوشتن را آغاز می‌کنیم.

فصل دوم: چگونه باید کتاب بنویسم؟

وقتی می‌گوییم می‌خواهم نویسنده شوم اول از خود می‌پرسیم چه چیزی باید بنویسم شاید این اولین سؤالی باشد که به ذهن شما خطور می‌کند یک جمله معروف و میان‌بر برای رسیدن به جواب وجود دارد آن این است که از جایی شروع کنید و از چیزی بنویسید که دوست دارید در مورد آن بدانید، مطالعه کنید، مهارت کسب کنید و یا برایتان جذاب است. در این روش روند نوشتن کتاب و مطالعه و تحقیق در مورد آن موضوع باعث رشد و ارتقای شما خواهد شد و همچنین انجام این کار از آن جهت که به آن علاقه دارید لذت‌بخش خواهد بود.

اما اگر صرفاً علاقه‌مند بودن به یک موضوع شمارا برای نوشتن کتابتان تشویق نمی‌کند و در انتخاب موضوع مشکل دارید می‌توانید در مورد رشته تحصیلی خودتان کتاب بنویسید یا حتی در مورد شغل و مهارت یا تخصصی که دارید نگران نباشید حتی ترندهای خانه‌داری می‌تواند یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های بازار باشد؛ البته برای انتخاب موضوع عجله نکنید و یک لیست بدون قضاوت از کارهایی که بلد هستید یادداشت کنید بهتر است بدانید که نوشتن این لیست به بالا بردن اعتمادبه‌نفس‌تان نیز کمک خواهد کرد.

گاهی اوقات هیچ‌کدام از کارهایی که بلد هستیم و هرروز انجامش می‌دهیم برای نوشتن کتاب انگیزه‌بخش نخواهد بود و ما نیاز داریم موضوعی متفاوت را برای نوشتن کتابمان داشته باشیم که در آن زمینه به احساس آرامش برسیم و کتابمان را باحال و هوای متفاوت‌تری بنویسیم اگر از این تیپ افراد هستید پیشنهاد من روزانه نویسی و یادداشت نویسی است هرچند که آن‌ها با خاطره‌نویسی‌های دوران کودکی متفاوت‌اند اما مانند خاطرات یک تجربه زیسته ارزشمندند

که می‌توانند به همراه بینش شخصی شما جذابیت زیادی برای مخاطباتان پیدا کنند.

اما اگر این مورد هم شما را راضی نمی‌کند و هنوز موضوع مورد علاقه خودتان را برای نوشتن کتاب پیدا نکردید می‌توانم پیشنهاد بعدی را با پرسیدن این سؤال مطرح کنم: آیا تا به حال داستان زندگی یک فرد برای شما آن قدر جذاب بوده است که آن را بارها برای اطرافیانتان تعریف کرده باشید؟ شما می‌توانید زندگینامه دیگران را با کسب اجازه بانام واقعی یا در صورت مقدور نبودن بانام مستعار بنویسید و چاپ کنید حتی می‌توانید با آن شخص مصاحبه کنید و تمام صحبت‌های واقعی فرد را در کتاب با کسب اجازه بنویسید. همچنین استفاده از نام مستعار ایده جالبی برای نوشتن زندگی‌نامه خودتان است اگر فکر می‌کنید زندگی شما مثل یک داستان پر از اتفاقات جالب و عجیب است یا اگر فکر می‌کنید می‌توانید داستان خودتان را با کمی چاشنی تخیل جذاب‌تر جلوه بدهید به شما تبریک می‌گویم الآن میدانید که باید چکار کنید.

نگران نباشید تا به الآن تنها ده درصد از مطالبی که به شما در انتخاب موضوع کمک می‌کند را بیان کرده‌ایم در ادامه از موضوعات متفاوت خواهیم گفت اما بعضی از افراد هستند که از همان اول ماجرا می‌دانند که چه کاری می‌خواهند انجام دهند و حتی نصف راه یا کل راه را رفته‌اند و مطالب بسیاری برای انتشار دارند اما نمی‌دانند که چطور باید نوشته‌هایشان را به کتاب تبدیل و چاپ کنند اگر از این دسته افراد هستید به شما هم تبریک می‌گویم چون در چند قدمی چاپ کتابتان هستید.

بعضی افراد مدت‌هاست شعر و داستان می‌نویسند اما هنوز شک

دارند که آیا نوشته‌هایشان به درد انتشار می‌خورد یا خیر؟ اگر از این دسته افراد هستید تا انتهای کتاب همراه ما باشید برای شما یک فصل مجزا داریم که فقط مخصوص نویسندگانی است که کتاب‌های داستانی و شعر هستند.

انواع کتاب

تا الآن کمی از موضوعات کتاب می‌دانید اما قبل از بررسی بیشتر باید انواع کتاب را بشناسید؛ کتاب‌ها به دودسته کلی تقسیم‌بندی می‌شوند:

- کتاب‌های غیرداستانی

- کتاب‌های داستانی

البته می‌توان انواع کتاب را به گونه‌ای دیگر نیز دسته‌بندی کرد:

۱. کتاب‌های مرجع

برای دسترسی به اطلاعات خاص در یک زمینه‌ی مشخص نوشته می‌شوند کسی این کتاب‌ها را از اول تا آخر نمی‌خواند معمولاً بر اساس الفبا فهرست بندی می‌شوند و خواننده برای به‌دقت آوردن اطلاعات خاصی در مواقع نیاز به آن‌ها رجوع می‌کند. چند نمونه از کتاب‌های مرجع:

واژه‌نامه‌های عمومی و تخصصی

دائرةالمعارف

فهرست‌ها

اطلس‌ها و غیره

۲. کتاب‌های غیر مرجع

کتاب‌های غیر مرجع معمولاً سرگرم‌کننده هستند؛ مثل رمان کوتاه و بلند، مجموعه کتاب‌های شعر و غیره

۳. کتاب‌های نیمه مرجع

کتاب‌هایی وجود دارند که علیرغم اینکه مرجع نیستند اما بارها ممکن است به آن‌ها رجوع شود؛ مانند کتاب‌های علمی و درسی

همچنین علاوه بر دسته‌بندی‌های بالا باید بدانیم که برای نوشتن هر نوع کتابی از چه سبک نگارشی باید استفاده کرد.

انواع سبک نگارش

برای یک نویسنده اطلاع داشتن از سبک‌های مختلف نگارشی ضروری است زیرا شما نمی‌توانید برای مثال یک کتاب آموزشی را به سبک انگیزشی یا روایتی بنویسید و یا همچنین نمی‌توانید برای نگارش یک رمان از سبک توضیحی استفاده کنید هر یک از این سبک‌ها برای نگارش اثر خاصی استفاده می‌شوند برای نگارش کتاب و سایر آثار مکتوب چند سبک مهم وجود دارد که عبارت‌اند از سبک توضیحی، سبک توصیفی، سبک ترغیبی یا انگیزشی و سبک روایتی هر یک از این سبک‌های نگارشی به‌منظور اهداف خاصی استفاده می‌شود لازم به ذکر است که یک متن واحد می‌تواند چند سبک مختلف از سبک‌های ذکرشده را شامل گردد در زیر به توضیح هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

سبک توضیحی:

سبک نگارش توضیحی یکی از رایج‌ترین روش‌های نگارش

است وقتی نویسنده کتاب سبک توضیحی را انتخاب می‌کند سعی می‌کند به توضیح یک مفهوم پردازد تا اطلاعات از خود وی به دامنه وسیعی از خوانندگان با توانایی‌های مختلف انتقال یابد نگارش توضیحی حاوی نظرات نویسنده نیست و بیشتر بر حقایق تأکید دارد که مقبولیت عامه دارند مثلاً توضیح یک مفهوم در ریاضی و آمار. مثال:

کتاب‌های آموزشی

نگارش مقاله علمی

کتاب دستور عمل مانند کتاب آشپزی

نگارش خبر و تفسیر خبر

نوشتار علمی و فنی و شغلی

سبک توصیفی:

نگارش توصیفی را می‌توان در کتاب‌های داستان پیدا نمود هرچند در مکتوبات غیرداستانی نیز این سبک استفاده شده است برای مثال: (خاطرات و کتاب راهنمایی سفر). هنگامی که نویسنده به سبک توصیفی می‌نویسد در حقیقت در حال نقاشی کردن با کلمات هستند تا بتوانند فرد، مکان یا چیز دیگری را برای مخاطبینشان به تصویر بکشند. نویسنده احتمال دارد که از استعاره و آرایه‌های ادبی دیگر استفاده کند تا از طریق حواس پنج‌گانه، درک و تصویر ذهنی خود را به بهترین شکل ممکن نمود دهد. مؤلف سعی نمی‌کند که مخاطبین خود را با توصیف ساده هر آنچه دقیقاً می‌بیند متقاعد کند بلکه رنگ و لعابی ادبی و زیبا نیز به آن می‌بخشد. مثال:

کتاب شعر
نگارش مجله و ماهنامه
توصیف اشیا یا طبیعت
نمایشنامه یا رمان
معمولاً برای نگارش این سبک میگویند نویسنده بلکه بین، گوش
کن، حس کن، بو کن ...

نگارش متقاعدکننده یا مجابکننده:

نگارش متقاعدکننده یکی از سبک‌های نگارش اصلی در مقالات
دانشگاهی و علمی است. وقتی نویسنده‌ای از سبک نگارشی متقاعدکننده
استفاده می‌کند سعی بر این دارد تا عقیده یا موقعیتی را چنان بیان
کند تا مخاطب متقاعد شود. سبک متقاعدکننده شامل نظرات مؤلف
و سوگیری‌های ذهنی او نیز می‌تواند باشد که خود می‌تواند شامل
قضاوت‌ها و دلایلی باشند که مؤلف برای متقاعد نمودن مخاطب از
آن‌ها استفاده می‌کند. مثال:

نگارش کاور لتر مقاله

نامه شکواییه

توصیه‌نامه

معرفی یک محصول

سبک نگارش روایتی:

سبک نگارش روایتی تقریباً همیشه برای نگارش آثار طولانی،
خواه داستانی و خواه غیرداستانی استفاده می‌شود هنگامی که مؤلف

از این سبک استفاده می‌کند علاوه بر اینکه قصد انتقال اطلاعات را دارد بلکه سعی می‌کند داستانی را بسازد که در آن عناصری مانند شخصیت‌ها، تعارضات و مکان رخداد و امثال آن نیز باشد. مثال:

پیدایش داستان‌های شفاهی

رمان‌ها

اشعار طولانی

داستان‌های کوتاه

امثال و حکایت

دانستن از انواع دسته‌بندی‌های کتاب برای یک نویسنده ضروری است اما در ادامه تمرکز ما روی دودسته اصلی یعنی: کتاب‌های غیرداستانی و داستانی است که هر کدام در ژانرهای متفاوتی نوشته می‌شوند دانستن از انواع ژانرها کمک بزرگی به انتخاب موضوع خواهد کرد ولی قبل از آن‌ها باید به‌طور کلی از ۸ منبع اصلی برای انتخاب موضوع کتاب باخبر شوید:

۱. از طریق رشته تحصیلی یا حوزه شغلی (موضوع کتاب شما می‌تواند رشته تحصیلی یا حوزه شغلی شما باشد)
۲. رشته مهارتی یا تخصصی خاص (چیزی که در انجام آن مهارت دارید)
۳. مطالعات و تحقیقات (موضوعی که در مورد آن تحقیق کرده‌اید)
۴. علایق (موضوعی که به آن صرفاً علاقه دارید)

۵. روزنوشت‌ها و یادداشت‌ها (حرف‌ها، اندیشه‌ها، خاطرات، تجربیات، نوع نگاه)

۶. زندگی‌نامه واقعی خود یا دیگری (پندآموز و تأثیرگذار)

۷. مصاحبه‌ها (از افراد معروف و سرشناس سؤالاتی بپرسیم که جواب آن‌ها برای خواننده پندآموز و کارآمد باشد)

۸. رمان، داستان و شعر

حالا خوب می‌دانید که منابع شما برای نوشتن یک کتاب چیست در ادامه به تعریف ژانر پرداخته و در بخش‌های مجزا ژانرهای مربوط به هر دودسته کتاب‌های داستانی و غیرداستانی را معرفی می‌کنیم.

ژانر چیست؟

ژانر به معنای (تیپ)، (نوع)، (دسته) و (جنس) است. ژانر در ساده‌ترین تعریف، چهارچوبی را که کتاب در آن قرار گرفته را مشخص می‌کند. هر ژانر به مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترکی اشاره دارد که دسته‌بندی اشکال گوناگون کتاب را امکان‌پذیر می‌کند. به‌زعم بعضی از اندیشمندان عرصه ادبیات و صاحب‌نظران حوزه کتاب، بسیاری از ژانرها از جهات بسیاری همپوشانی دارند.

همه چیز در مورد نوشتن کتاب‌های غیرداستانی

این بخش به شما کمک می‌کند که بتوانید یک کتاب غیرداستانی فوق‌العاده بنویسید البته خیلی از مواردی که به آن‌ها اشاره می‌شود در مورد کتاب‌های داستانی هم صدق می‌کند هرچند که یک بخش مجزا هم برای کتاب‌های داستانی خواهیم داشت برای نوشتن کتاب همچنین انتخاب موضوع ابتدا باید با ژانرهای مختلف کتاب نویسی آشنا شد.

انواع ژانر کتاب‌های غیرداستانی

در سال‌های اخیر برای دسته کلی ادبیات غیرداستانی در ایران نام دیگری نیز انتخاب شده است: (جستارنویسی) که با انواع آن آشنا می‌شویم:

- ژانر هنری

بیشتر کتاب‌های هنری، به شرح چگونگی خلق آثار هنری می‌پردازد. این آثار می‌تواند شامل آثار دیداری، شنیداری، نمایشی و غیره باشند.

بسیاری این نوع کتاب‌ها، به بررسی زندگی هنرمندان بزرگ و معروف می‌پردازند و یا آثار هنری آن‌ها را موردنقد و بررسی قرار می‌دهند. مطالعه تاریخ هنر و بررسی جنبه‌های زیبا شناسانه‌ی آثار هنری از دیگر مباحثی است که در کتاب‌های هنری موردتوجه قرار می‌گیرد.

- ژانر انگیزشی

کتاب‌های انگیزشی ما را برای روبرویی با چالش‌های احتمالی

زندگی واقعی آماده می‌کنند. در زندگی تمام انسان‌ها لحظاتی پیش می‌آید که از زندگی ناامید می‌شویم و تمام نیرو و انرژی‌مان تحلیل می‌رود. اینجاست که کتاب‌های انگیزشی به کمک ما می‌آیند.

کتاب‌های روانشناسی و انگیزشی به خواننده فرصت شناخت خود را می‌دهد و به این ترتیب با نیروی بازیافته، مصمم به سمت هدف می‌رویم.

- ژانر طنز

نویسندگان در کتاب‌های طنز، با ادبیاتی شیرین و نغز، مسائل مهم اجتماعی و سیاسی را با نگاهی نقادانه به رشته‌ی تحریر درمی‌آورد. در این کتاب‌ها، تمام معایب و مفاسد و کمبودها به گونه‌ای اغراق‌آمیز بیان می‌شود تا زشتی آن مسئله بیشتر دیده شود.

- ژانر کودکان

کودک تنها به خوراک و پوشاک نیاز ندارد. هرچند این‌ها نیازهای اولیه‌ی هر انسانی است، اما رشد ذهنی نیز اهمیت ویژه‌ای در تربیت کودکان دارد.

وظیفه‌ی هر والدی این است که زمینه را برای چگونه زیستن و نحوه‌ی شکل‌گیری افکار و شخصیت کودکانش هموار کند. چاپ کتاب کودک و نوجوان کمک بزرگی برای خانواده‌ها محسوب می‌شوند.

- ژانر تاریخی

کتاب‌های تاریخی را نباید با کتاب‌های درسی اشتباه گرفت. در این کتاب‌ها، با استفاده از منابع غنی اولیه و ثانویه، وقایعی در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهند تا به صورت

بهتری تاریخ گذشته خود را بشناسند. برای مثال، کتاب لنین‌گرا اثر آنارید را می‌توان یکی از کتاب‌های مطرح در این حوزه قلمداد کرد.

- ژانر فلسفی

در این کتاب‌هاست که سؤالات بزرگ مطرح می‌شوند. وقتی صحبت از کتاب‌های فلسفی می‌شود عمدتاً کتاب‌های سخت و دشوار نیچه و کنفوسیوس به ذهن متبادر می‌شود؛ اما باید بگوییم که این ژانر صرفاً متشکل از چنین کتاب‌هایی نیست و نویسندگان کتاب‌های فلسفی عصر معاصر تلاش می‌کنند تا محتوای کتاب‌های خود را نفوذپذیرتر و راحت‌تر نگارش کنند تا همه بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. از کتاب‌های این ژانر می‌توان به کتاب (چگونه مانند یک امپراتور روم فکر کنیم) اثر دونالد رابرت سون اشاره کنیم.

- ژانر دینی و معنوی

کتاب‌های مربوط به دین و معنویت می‌توانند اشکال مختلفی داشته باشند. برخی مبتنی بر تئوری هستند، برخی برحسب تجربه شخصی نوشته شده‌اند و برخی دیگر در قالب کتاب‌های خودیاری نوشته شده‌اند و هدف نهایی آن کمک به خوانندگان برای یافتن معنویت در خود است. غالباً، هر کتاب بر روی یک سیستم اعتقادی خاص تمرکز می‌کند. کتاب قدرت اکنون نشسته آکرت تول را می‌توان نمونه‌ای از این دسته کتاب قلمداد کرد.

- کتاب‌های علمی

کتاب‌های علمی یا کتاب‌های «علوم و ریاضیات» که وبسایت آمازون آن‌ها را این‌گونه دسته‌بندی می‌کند، می‌توانند کاملاً فنی و تخصصی باشند. بیشتر اوقات، آن‌ها در مورد تحقیقات دانشگاهی دانشمندان گزارش‌هایی ارائه می‌دهند. بنابراین، کتاب‌های علمی

سازمان یافتگی خوبی دارند و در نگارش آن‌ها حتماً می‌بایست به استانداردهای دانشگاهی اعم از ارجاع و نمایه‌سازی توجه کرد. درحالی‌که این کتاب‌ها خشک و بی‌روح به نظر می‌رسند اما سؤالات جذاب آن‌ها همیشه می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که خوانندگان را ترغیب نماید. از کتاب‌های شاخص این طبقه می‌توان به کتاب «تاریخچه مختصری از زمان» نوشته استیون هاوکینگ اشاره کرد.

- علوم پرفردار

آیا این نوع کتاب‌های همان کتاب‌های علمی هستند اما طوری نگارش می‌شوند که افراد با کمترین دانش در حیطه علم نیز بتوانند استفاده کنند. کتاب‌های علوم پرفردار، تحقیقات و فرایندهای پیچیده‌ای را انجام می‌دهند اما در توضیح تمامی اصطلاحات و واژگان تخصصی را حذف می‌کنند تا هر فرد معمولی بتواند از آن‌ها چیز جدیدی برداشت کند و اطلاعات جدیدی در مورد جهان هستی کسب کند. برای مثال، کتاب «تاریخچه کوتاه همه‌چیز» نوشته بیل براینسون را می‌توان از این نوع کتاب‌ها دانست.

- کتاب‌های سیاسی و علوم اجتماعی

با آشوب اجتماعی و سیاسی مداوم در سراسر جهان، هم خواندن و هم نوشتن این نوع کتاب‌ها افزایش یافته است. برخی از کتاب‌های علوم سیاسی و اجتماعی بیشتر مبتنی بر شواهد گفتاری هستند و برخی دیگر از نظر عمق تحقیقات، با مقالات دانشگاهی هم‌تراز هستند. در هر صورت، آن‌ها معمولاً یک ویژگی یا ساختار خاصی در جامعه را انتخاب می‌کنند تا با نگاه انتقادی به تجزیه و تحلیل آن پردازند. کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند» اثر دارون عجم اوغلو و جیمز رایبنسون جزو این دسته از کتاب‌ها هستند.

- کتاب‌های خودیاری

از میان ژانرهای غیرداستانی موجود، کتاب‌های خودیاری، جزو محبوب‌ترین‌ها هستند. این کتاب‌ها می‌توانند راهنمایی‌ها و اقداماتی را در اختیار شما قرار دهند که از طریق آن‌ها بتوانید مشکلات شخصی را حل کنید. کتاب‌های خودیاری می‌توانند مبتنی بر پژوهش باشند یا بر اساس تجارب شخصی باشند. برای مثال، کتاب «از مابهران» اثر مالکوم گلدول را می‌توان یکی از نمونه‌های این طبقه معرفی کرد

- کتاب‌های اقتصادی و کسب‌وکار

کتاب‌های تجاری راهنمای کارآفرینی و مدیریت هستند. این کتاب‌ها وسیله‌ای است برای کسانی است که تجربه کسب‌وکار را دارند تا نکات و عقاید خود را به اشتراک بگذارند. از این نظر، این نوع کتاب‌ها شبیه کتاب‌های خودیاری می‌شوند، اما به‌طور خاص برای کارآفرینان و مدیران مشاغل است. کتاب «The Big Short» اثر میشل لویس را می‌توان به‌عنوان نمونه ذکر کرد.

- کتاب‌های حوزه سلامت

این‌گونه کتاب‌ها در حوزه سلامت و بهداشت روانی و فیزیولوژیکی به ارائه محتوا می‌پردازند. این کتاب‌ها موضوعات مختلفی را شامل می‌شوند، از رژیم‌های غذایی گرفته تا عادت‌های خواب، از مدیریت استرس گرفته تا مقابله با اضطراب. بیشتر آن‌ها توسط محققان و پزشکان نوشته شده‌اند که دانش فنی در ارائه مشاوره صحیح را دارند. کتاب «طول عمر» نوشته دیوید سینکلر را می‌توان مثالی از این کتاب‌ها ذکر کرد.

- کتاب‌های صنایع دستی و سرگرمی

روزی روزگاری قبل از اینکه موتورهای جستجو مانند گوگل اختراع شود، افراد برای آموزش قلاب‌بافی، فرش‌بافی، اریگامی و □ به کتاب‌های مرجع مراجعه می‌کردند. این کتاب‌ها فنون ساخت انواع صنایع‌دستی و هنری را در اختیار خوانندگان می‌گذارد. نویسندگان این کتاب‌های معمولاً افرادی هستند که در یک حوزه خاص تبحر کافی دارند و می‌توانند اطلاعات و دستورالعمل‌های خوبی در انجام یک هنر یا صنعت ارائه دهند. برای مثال کتاب «By Hand» نوشته میوکی سانتو جزو این دسته از کتاب‌ها قرار می‌گیرد.

- راهنمای سفر و سفرنامه نویسی

معمولاً این کتاب‌ها اطلاعات همه‌جانبه‌ای از یک شهر، روستا و کشور در اختیار بازدیدکنندگان قرار می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا در مسافرت خود بتوانند به تمام جاها و مکان‌های مهم و کلیدی سر بزنند. مثلاً، سری کتاب‌های The Time Out را می‌تواند برای نمونه ذکر کرد.

- کتاب‌های آشپزی

کتاب‌های آشپزی نوع دیگری از کتاب‌های غیرداستانی را شامل می‌شوند. با توجه به رشد فناوری و آگاهی فرهنگ‌های مختلف از عادات غذایی یکدیگر، این کتاب‌های معمولاً دستورالعمل‌هایی را ارائه می‌دهند که دیگران بتوانند برحسب آن، غذاهای جدید را امتحان کنند. کتاب «Bibi's Kitchen» نوشته حوا حسن و جولیا تورشن را می‌توان از این دسته کتاب‌ها قلمداد نمود.

- کتاب‌های والد‌گری و خانواده

این کتاب‌ها نیز جزو دسته کتاب‌های غیرداستانی هستند. در این کتاب‌ها معمولاً نویسنده درباره روش‌های صحیح والد‌گری و ارتباطات در خانواده مباحثی را مطرح می‌کند و از آنجایی که دغدغه

بسیاری از خانواده‌ها و والدین رشد و پیشرفت مهارت‌های والد‌گری خود است، هم‌اکنون این کتاب‌ها به جزو محبوب‌ترین کتاب‌های در دسترس تبدیل شده‌اند. برای مثال، کتاب «Peaceful Parent Happy Kids» نوشته لورا مارکهام جزو این طبقه از کتاب‌ها است در این مطلب به توضیح کتاب‌های غیرداستانی و انواع مختلف آن پرداختیم. انواع دیگری از این کتاب‌ها وجود دارند که می‌توان به کتاب‌های آموزش زبان، کتاب‌های زندگی‌نامه، حقوق، آموزشی و کمک‌آموزشی، کتاب‌های درسی، خاطره‌نویسی، روانشناسی، خانواده و روابط انسانی اشاره نمود.

انتخاب موضوع

طبق توضیحاتی که دادیم حتماً تا الآن توانسته‌اید یک یا چند موضوع برای کتاب خود انتخاب کنید اما ممکن است که هنوز مردد باشید می‌خواهیم شما را به یک تصمیم قطعی برسانیم در ابتدا فهرستی از موضوعات داغ بازار کتاب را خواهیم داشت و سپس از قالب‌های مختلف نوشتن صحبت می‌کنیم.

موضوعات پیشنهادی:

| | |
|----------------------------|--------------|
| داستان‌های آموزنده | سواد دیجیتال |
| تصمیم‌گیری | خودشناسی |
| چگونه شاد زیستن | خلاقیت |
| آداب معاشرت و تشریفات | جملات قصار |
| تغییر و ایجاد عادت‌ها | گیاه‌شناسی |
| چگونگی مذاکره و متقاعدسازی | انگیزه |

| | |
|--|-------------|
| زندگی مینیمالیسم | هوش هیجانی |
| برند سازی شخصیت | کوچینگ |
| معنا و رسالت زندگی | عمل گرایی |
| ارتباطات و روش های شبکه سازی | کمال گرایی |
| رفع خجالت و کمرویی | طبیعت گردی |
| توانایی نه گفتن | سفر |
| مقابله با ترس | متافیزیک |
| تمرکز و نحوه یادگیری | معنویات |
| مهارت تدریس | برنامه ریزی |
| بازی های آموزشی | درآمد |
| تخصص و مهارت ها | |
| زندگی نامه و تجربیات خود | اهداف |
| زندگی نامه افراد موفق و مصاحبه با آنها | سواد مالی |
| راهکارهای فروش | شکر گذاری |
| روش های کاهش اضطراب | نظم |
| برنامه ریزی و مدیریت زمان | غلبه بر خشم |
| افزایش اعتماد به نفس | اهمال کاری |
| کنترل احساسات | سفرنامه |

قالبها و ساختارهای نوشتن

دانستن از قالبها و ساختارهای نوشتن کمک زیادی به شما برای نحوه شکل گیری کتاب خواهد کرد برای مثال شما مواد یک کیک

را درست کرده‌اید انتخاب قالب دایره‌ای یا مستطیل همان انتخاب ساختار برای نوشتن کتاب است در ادامه با انواع آن آشنا خواهید شد:

- مجموعه مقالات و یادداشت‌های شما (این یک قالب برای نوشتن است مثلاً موضوع موردنظر شما رژیم غذایی است شما می‌توانید هرروز یک یادداشت از نکات موردتوجه برای رژیم را بنویسید و درنهایت بعد از چندین ماه کتابی پر از نکات طلایی خواهید داشت همین‌طور برای موضوعات متفاوت دیگر می‌توان از این ساختار یادداشت نویسی استفاده کرد در مورد مجموعه مقالات هم می‌توان دو حالت را در نظر گرفت یا مجموعه مقالات در مورد یک موضوع را جمع‌آوری می‌کنیم مثل مجموعه مقالات حقوقی یا مجموعه مقالات منتشرشده توسط یک فرد را تبدیل به کتاب می‌کنیم مثل مجموعه مقالات خلیل ملکی به کوشش رضا آذری شهرضایی)

- مجموعه داستان (مثلاً اگر موضوع انتخابی شما همدلی و عشق ورزیدن باشد می‌توانید مجموعه داستان‌های مرتبط با این موضوع را تبدیل به یک کتاب کنید و یا مجموعه داستان‌های قدیمی یا پندآموز و یا سرگرم‌کننده از موضوعات مختلف را جمع‌آوری و تبدیل به یک کتاب کنید مانند مجموعه داستان‌های مسعود لعلی)

- نامه‌نویسی (موارد چاپ‌شده از نامه‌های نوشته‌شده به همسر پدر و غیره وجود دارد مانند نامه به پدر کافکا و یا چهل نامه‌ی کوتاه به همسر؛ شما می‌توانید این نامه‌ها را احساسی بنویسید و یا برای بیان یک سری از نیازهای جامعه برای یک فرد خیالی نامه بنویسید و از مشکلات و معضلات موجود در آن موضوع و ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی صحبت کنید اگر هرروز یک نامه به فرد موردنظر خود بنویسید بعد از چند ماه یک کتاب از آن موضوع خواهید داشت)

چگونه همین حالا موضوعات درون ذهن خود را با چگونه ادغام کنید و پاسخ آن سؤال را تبدیل به یک کتاب کنید. چگونه اهمال کاری را در خود از بین ببرم؟

چگونه ثروتمند شویم؟

چگونه عادی نباشیم؟

چگونه یک کتاب بنویسم؟

چگونه کودکانی آرام تربیت کنم؟

چگونه یک باغچه سرسبز داشته باشم؟ و غیره

- فرمت زمانی (تغییرات و تحولات در یک پریود زمانی را از یک موضوع تبدیل به کتاب کنیم برای مثال کتاب نه ماه بارداری و یا کتاب دو قرن سکوت در مورد تحولات تاریخی ایران)

- پرسش و پاسخ (ما می‌توانیم در مورد موضوع ابتدا سؤالات بسیاری را مطرح کنیم و سپس پاسخ مناسب برای هر کدام از آنها پیدا کرده و مثلاً کتابی با صد پرسش و پاسخ در مورد یک موضوع بنویسیم مثلاً کتاب پرسش و پاسخ در مورد روابط کار البته دانستن این نکته خالی از لطف نیست که برخی افراد بعد از پاسخ دادن به پرسش‌های طرح شده پرسش‌ها را حذف می‌کنند و فقط قسمت جواب‌ها را تبدیل به یک کتاب می‌کنند و نامش را می‌گذارند همه چیز در مورد فلان موضوع)

- خاطره نگاری و سرگذشت (نوشتن از خاطرات یک تحول در زندگی مثلاً نوشتن از یک سفر طولانی و یا نوشتن خاطرات دوره تحصیلی و یا خاطرات بودن با یک استاد و یا پدر بزرگ یا مادر بزرگی که نکات جالب توجهی داشته باشد نیز یک قالب از نوشتن خواهد

بود البته می‌توان کل سرگذشت خود را به صورت یک کتاب نوشت
برای مثال خاطرات یک معلم و یا خاطرات یک عقد)

- مصاحبه‌ها (مصاحبه با یک یا چند نفر که در حوضه خاصی
جزو نفرات اول هستند مثلاً مصاحبه و زندگی‌نامه ۵ نفر از کارآفرینان
و یا مصاحبه با بزرگ‌مردان صنعت خودرو و یا مصاحبه و زندگی‌نامه
افراد گمنام ولی تأثیرگذار مانند مصاحبه با اولین زن تعمیرکار ماشین
ایرانی)

- اشتباهات (دانستن از اشتباهات یک مسیر کمک بزرگی در طی
کردن آن خواهد کرد پس قطعاً نوشتن از اشتباهات هر کسب‌وکاری
ایده مناسبی خواهد بود مانند اشتباهات یک طراح و یا کتاب اشتباهات
یک زن از این قبیل کتاب‌های این ساختار نوشتاری است)

- روش مقایسه (یک ساختار دیگر برای نوشتن مثلاً مقایسه
بازی‌های پرسپولیس و استقلال در ده سال اخیر و یا مقایسه آپشن
خودروهای دو برند بنز و بی ام و امثال این‌ها)

- نقل و قول‌ها (می‌توان جملات زیبای بزرگان را جمع‌آوری و با
ذکر نام آن‌ها به چاپ رسانید برای مثال پانصد نقل و قول ارزشمند
از فرزندان)

- ساختار اعداد (می‌توان از اعداد برای جمع‌بندی نوشته‌های
کتاب مثلاً شش تا سؤال در مورد موضوع مطرح می‌کنیم و به
این شش سؤال پاسخ می‌دهیم و سپس سؤالات را حذف می‌کنیم و
مطالب را پشت سر هم می‌آوریم با این روش شش پاراگراف در مورد
موضوع به صورت پیوسته خواهیم داشت نکته بعدی استفاده از اعداد
در متن کتاب و روی جلد آن است مثلاً ۴۰ فکر سمی و یا ۱۱۰ نکته
بسیار کاربردی از آداب معاشرت مدرن، ۳۰۰ نکته شادی بخش، ۵۰۰

جمله موفقیت آمیز بزرگان) و امثال این موارد را میتوان استفاده کرد.

نکته آخر اینکه شما می‌توانید برخی از این ساختارها را باهم ترکیب و کتاب متفاوتی خلق کنید مثلاً ساختار اعداد را با ساختار اشتباهات و ساختار خاطره نگاری ترکیب کنید و کتابی با عنوان ۲۳ اشتباه فاحش من در دانشگاه را بنویسید.

چندین راه دیگر برای نوشتن کتاب

- طرح یک مسئله و ارائه راهکار برای آن: شما می‌توانید از یک سؤال شروع به جمع‌آوری اطلاعات کنید و از آن یک کتاب بسازید؛ پرتکرارترین موضوعات جستجو شده در گوگل می‌تواند در طرح سؤال به شما کمک کند.

- بیان خلاصه‌ای از نتایج تحقیقات و مطالعات: باوجود حجم بالای محتوایی که پیرامون همه ما را گرفته مردم بیشتر به سمت خلاصه‌ها و مطالب جمع‌بندی شده می‌روند پس جمع‌بندی یا خلاصه‌ای از تحقیقات در مورد یک موضوع می‌تواند محتوای کتاب شما باشد

- بررسی تغییرات موضوع کتاب در بُعد زمان: (تاریخچه موضوع، پیش‌بینی و نگرشی بر آینده موضوع، حال و هوای آن مفهوم در زمان حال) برای مثال کتابی که در مورد تاریخچه نشر و انتشار کتاب و شروع آن در ایران و مرور تحولات نشر از قدیم تا به امروز و بررسی آینده چاپ کتاب را شامل می‌شود.

- بررسی نقاط قوت و ضعف یک موضوع و دلایل موفقیت و

شکست آن

- تهیه فهرست‌ها (تهیه فهرست برای تشریح قدم‌به‌قدم)، جداول مقایسه‌ای، تشریحی و سؤالی
- تغییر محتوای موجود در کتاب‌های دیگر به شکلی خلاقانه‌تر، ساده‌تر و کاربردی‌تر به شکل خلق مدل‌های مفهومی
- الگوبرداری از محتوای کتاب‌های پر فروش آمازون
- بررسی محتوای کتاب‌های پر فروش اخیر در بازار کتاب
- تمرکز بر محتوای مهم‌ترین کتاب‌های خوانده‌شده
- بررسی مهم‌ترین دغدغه‌ها و مشکلات ذهنی موجود
- محتوای مرتبط با فعالیت‌های روزانه و رویدادهای شغلی
- بررسی مشکلات جامعه و پیدا کردن محتوای مرتبط با نیازهای شکل‌گرفته در رابطه با آن
- راه‌حل یک چالش یا رویدادی همگانی
- مهم‌ترین نیازهای یک جامعه خاص از مخاطبان: مثلاً نیازهای جامعه گیاه‌خواران یا معلولین یا سالمندان
- عصاره علاقه‌مندی‌ها، توانمندی‌ها و دانش قابل انتقال فردی
- تجربیات زندگی شخصی یا شغلی
- نوشتن از بزرگ‌ترین باخت‌ها و بردهای تجربه‌شده توسط خود یا دیگران
- دلایل موفقیت یا شکست جامعه‌ای خاص در مواجهه با یک رویداد
- نوشتن از ویدئوهای آموزشی ارزشمند مانند سایت TED

- پرداختن به محتوای رده اول در فضای آموزشی

گاهی مطالب و جملات بسیار زیادی نوشته‌اید اما احساس می‌کنید در مورد موضوعات مختلف نوشته‌شده و نمی‌توان آن‌ها را به صورت یک کتاب جمع‌بندی کرد نگران نباشید شما می‌توانید آن کتاب را با عنوان تجربیات من و یا زندگی من و امثال این عناوین منتشر کنید و یا می‌توانید جملات و نوشته‌های خود را نسبت به موضوعاتشان بخش‌بندی کنید و سپس آن‌ها را به دو یا سه کتاب تبدیل کنید برای مثال یک نفر می‌تواند جملات مربوط به تخصص و کسب‌وکار و موفقیت را در یک کتاب و جملات مربوط به سفر، طبیعت‌گردی و امثال این‌ها را در یک کتاب و جملات مربوط به تجربیات زندگی‌اش را در یک کتاب جداگانه منتشر کند.

حالا نوبت آن رسیده که حداکثر پنج موضوع را که مناسب برای نوشتن شما است انتخاب کنید سپس آن‌ها را در ستون اول جدول زیر بنویسید و جلوی ستون‌های خالی را از یک تا ده با نمراتی که به آن موضوع می‌دهید پر کنید و در نهایت اعداد هر ستون را باهم جمع بزنید تا به پنج عدد، هر عدد برای یک موضوع برسید حالا انتخاب موضوع موردنظرتان آسان‌تر شد؛ عدد بالاتر محبوبیت بیشتری را خواهد داشت.

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|----------------------------|
| ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ | موضوعات موردعلاقه |
| | | | | | میزان علاقه به آن موضوع |
| | | | | | میزان دانایی و آگاهی از آن |
| | | | | | میزان سهم فروش بازار |
| | | | | | مجموع نمرات |

بعد از انتخاب موضوع این سه سؤال کلیدی را در مورد موضوع خود بپرسید:

با نوشتن این کتاب چه چیزی می‌خواهم بگویم؟

چگونه خواننده از آن سود می‌برد؟

چرا این موضوع مهم است؟

با پاسخ به سؤالات بالا به نتایج شفاف‌تری در انتخاب موضوع می‌رسید. اکنون هر چه را که در انتخاب موضوع به شما کمک می‌کرد بیان کرده‌ایم مگر اینکه شما نویسنده کتاب‌های داستانی باشید که در بخش آینده در مورد انتخاب موضوع به نتیجه خواهید رسید اما اگر نویسنده کتاب‌های غیرداستانی هستید و هنوز موضوع خود را انتخاب نکرده‌اید پیشنهاد می‌کنم از ادامه مطالعه صرف‌نظر کنید و بخش قبل را دوباره مرور کنید و با کمی سرچ و پرس‌وجو موضوع خود را انتخاب سپس به ادامه مطالعه کتاب بپردازید در ادامه قصد داریم روش‌های گردآوری مطالب را بررسی کنیم.

ایده‌ها و روش‌هایی برای جمع‌آوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات می‌توانیم به موارد زیر رجوع کنیم:
گوگل، کتاب‌ها، مقالات، مجله‌ها، مصاحبه، آمارگیری، پرسشگری و
اطلاعات فردی

نام سایت‌های معتبر برای یافتن اطلاعات

وبسایت کتابخانه ملی ایران www.nlai.ir

شهر کتاب آنلاین shahreketabonline.com

سی بوک 30book.com.www

کتاب راه www.ketabrah.ir

متمم motamem.org

آمازون amazon.com

حال شاید با این سؤال روبرو شوید که چه اطلاعاتی از موضوع
انتخابی خود جمع‌آوری کنم؟ در ادامه فهرستی از مواردی که باید
جستجو کنید را آورده‌ایم:

- تعریف موضوع انتخابی و مفاهیم مرتبط به آن
- تاریخچه موضوع در ایران و جهان
- بررسی موضوع در فرهنگ و ادبیات ما
- پیشگامان و افراد معاصری که در رابطه با موضوع حرفی برای
گفتن دارند.

- چپستی موضوع
- چرایی و دلایل اهمیت موضوع
- اشتباهات رایج رخ داده در رابطه با موضوع
- راهکارها و اقدامات کاربردی و عملی در حیطه مشکلات مرتبط با موضوع
- معرفی کتاب و منابع این حوزه
- معرفی فیلم‌های مرتبط با موضوع
- معرفی وب سایت‌های مرتبط با موضوع
- بیان داستان‌هایی برای این موضوع
- طرح پرسشنامه در رابطه با موضوع
- چند نکته و توصیه نهایی درباره موضوع
- نقل قول‌هایی که در رابطه با موضوع وجود دارد
- مصاحبه با افراد صاحب‌نظر در رابطه با موضوع

برای بررسی و جمع‌آوری اطلاعات در مورد هر کدام از موارد بالا باید کتاب‌های مختلف و سایت‌های متفاوتی را زیرورو کنید تا شمارا به مسیرهای جدید و مطالب ناب برساند از روند جمع‌آوری اطلاعات لذت ببرید و از اینکه مجموعه‌ی این مطالب را در کنار هم با جمع‌بندی منظم در اختیار خواننده قرار می‌دهید خوشحال باشید زیرا با این کار از اتلاف وقت مخاطب جلوگیری کرده‌اید بعد از جمع‌آوری اطلاعات، آن قدر آن‌ها را زیر رو کنید که احساس کنید از صفر تا صد هر آنچه از موضوع باید باشد را در فایل ورد خود دارید اینجاست که به

یک کتاب بزرگ برای مثال پانصد صفحه‌ای می‌رسید و برای خلاصه و جمع‌وجور کردن آن باید مطالب مشابه را باهم مقایسه کنید و از بین آن‌ها یکی را انتخاب و یا چند مطلب مشابه را با حذف مطالب تکراری باهم ادغام کنید و می‌توانید همه یافته‌ها را در یک و یا چند فایل ورد (برای هر فصل یک فایل) گردآوری کنید این کار را با حوصله انجام دهید زیرا خواندن مطالب تکراری در کتاب خواننده را خسته و از ادامه منصرف خواهد کرد شما باید سطح مخاطب خود را برای دریافت اطلاعات بسنجید مثلاً اگر برای گروه سنی نوجوان کتاب می‌نویسید باید اطلاعات را به گونه‌ای خلاصه پرزرق‌وبرق کاربردی و بدون حاشیه و ساده بیان کنید که حوصله سر بر نباشد باید سریع مخاطب را به اصل مطلب رساند پس ابتدا مخاطب خود را بشناسیم سپس نسبت به علایق و نیازهای او کتاب خود را ویرایش کنیم به شما تبریک می‌گوییم ۹۰ درصد راه را رفته‌اید در ادامه نکات مهمی را بیان خواهیم کرد که به شما در نوشتن کتاب کمک خواهد کرد.

نکات مهم:

- کتاب، شرح پاسخ به سه سؤال است:

چیستی؟ چرایی؟ و چگونگی؟ موضوع آن

- نوشتن کتاب اختراع محتوا نیست:

افراد به دودسته کلی تولیدکننده علم و ترویج کننده علم تقسیم می‌شوند شما به عنوان نویسنده کتاب ترویج کننده محتوا هستید نه تولیدکننده آن البته اگر حرف جدیدی در رابطه با موضوع خود برای گفتن داشته باشید که قبلاً هیچ کس به آن اشاره نکرده است می‌توانید جزو دسته اول یعنی تولیدکنندگان محتوا قرار بگیرید ولی

اگر مطلب جدیدی ندارید نگران نباشید و دچار این اشتباه نشوید که نمی‌توانید کتاب بنویسید شما به‌عنوان یک ترویج‌کننده محتوا مطالب را جمع‌آوری، جمع‌بندی، بومی‌سازی، آنالیز و ساده می‌کنید و با مثال و داستان ارائه می‌دهید شما با یک ساختار و قالب جدید محتوا را ترویج می‌دهید و مخاطبان موردنظر خود را برای آن موضوع جذب خواهید کرد.

- کتاب گزارش یادگیری من است:

قرار نیست لزوماً از موضوعی بنویسیم که در آن مهارت بسیار داریم یا صرفاً صد راجع به آن را میدانیم و در زندگی رعایت می‌کنیم ممکن است ما در مورد اعتمادبه‌نفس کتابی بنویسیم اما اعتمادبه‌نفس خودمان هنوز بالا نباشد و هم‌زمان که در حال نوشتن کتاب هستیم روی این موضوع کارکنیم و مطالب جدیدی برای بالا بردن اعتمادبه‌نفس خود یاد بگیریم. برای مثال ناپلئون هیل زمانی که کتاب بیندیشید و ثروتمند شوید را نوشت خودش ثروتمند نبود و یک کارمند بود و بعد از نوشتن کتاب ثروتمند شد یک نویسنده موفق هم‌زمان با نوشتن کتاب در حال یادگیری است.

- هم‌زمان با نوشتن ویرایش ممنوع:

هنگام نوشتن کتاب هرگز درگیر ویرایش و اصلاح غلط‌های املائی و نگارشی نشوید کتاب را یک‌بار کامل بنویسید و سپس دوباره خوانی یا سه بار خوانی کنید و اصلاحات را انجام دهید در مورد کتاب‌های داستانی گاهی دوباره خوانی حتی تا صد مرتبه اتفاق می‌افتد تا درنهایت نویسنده از متن خود راضی شود اما در مورد کتاب‌های غیرداستانی مخاطب گرسنه دنبال قاشق و چنگال نیست و دنبال محتوایی است که او را سیر کند درنهایت نگران جمله‌بندی‌ها

و دستور زبان درست متن خود نباشید یک ویراستار به راحتی متن شمارا به یک متن درخور و شفاف و بدون غلط تبدیل خواهد کرد. این را بدانید که همه کتابها نیاز به ویراستاری ندارند اما بعضی از افراد هستند که در رساندن پیام مشکل دارند و قطعاً نوشته‌های این افراد باید توسط یک ویراستار بازنویسی شود.

- بازنگری و ویراستاری:

اگر می‌خواهید بعد از نوشتن کتاب تا حدودی آن را خودتان ویرایش کنید یکی از راه‌های پیدا کردن ایرادهای جمله‌روخوانی متن کتاب با صدای بلند است با این کار ایرادهای دستوری جمله‌تا حدودی برای خودتان مشخص خواهد شد.

لازم به ذکر است که این موضوع برای نویسندگان کتاب‌های داستانی بسیار حائز اهمیت است طوری که برخی از نویسندگان قبل از چاپ رمان آن را تا صد یا پنجاه بار بازنگری می‌کنند؛ اما این موضوع برای نویسندگان غیرداستانی به دلیل شیوه نگارش آن‌ها که اکثراً به شیوه توضیحی است سه‌الی پنج بار کفایت می‌کند.

راه دیگری که به شما برای ویرایش متن کمک خواهد کرد استفاده از نرم‌افزار ویراستیار است که روی ورد ۲۰۱۳ و نسخه‌های پایین‌تر نصب می‌شود و شما می‌توانید تا حدود زیادی متن خود را از نظر غلط‌املائی و نگارشی ویرایش کنید.

بعد از مراحل بالا کتاب را به نزدیکان خود بدهید و از آن‌ها بخواهید یک‌بار مطالعه کنند و به شما بازخورد بدهند اگر از نظرشان متن واضح و شفاف نبود و دارای ایرادهایی بود که به نظر خودتان نمی‌آمد حتماً کتاب را به یک ویراستیار برای ویرایش بسپارید.

- اضافه کردن مثال‌های مرتبط شعر و نقل و قول:

اگر یک موضوع مهم را بدون هیچ توضیح اضافه و مثالی برای کسی تعریف کنیم احتمال اینکه در خاطرش بماند خیلی کمتر از وقتی است که آن موضوع مهم را با چندین مثال داستانی یا شعر به فهم و درک مخاطب برسانیم. همیشه ضرب‌المثل‌ها و داستان‌ها بیشتر از صحبت‌های ساده به ذهن انسان خواهد ماند از این رو سعی کنیم برای فهم بهتر و جذابیت نوشته‌های خود از ضرب‌المثل‌ها داستان‌ها و اشعار مرتبط با موضوع، در متن استفاده کنیم این کار را بعد از نوشتن کتاب هنگام بازنگری می‌توان انجام داد.

- یادآوری:

جملات مهم، درس‌ها و نقل‌قول‌ها را با فونت بولد و یا حتی در کادر بنویسید بگذارید خواننده با یک نگاه به کتاب شما متوجه کیفیت اثرتان بشود و اگر کتاب را مطالعه کرد برای بار دوم با اتلاف وقت کمتری نکات مهم را یادآوری کند.

- اضافه کردن خاطرات و خود افسایی:

در کتاب، حتماً از تجربیات زندگی خود مرتبط با موضوع یعنی از شکست‌ها، پیروزی‌ها، نقاط عطف، چالش‌ها و نحوه عبور از چالش‌ها صحبت کنید بایان خاطرات و خود افسایی رابطه‌ی عمیق‌تری بین شما و خواننده برقرار خواهد شد و درک مطالب کتاب برای خواننده عمیق‌تر خواهد بود.

- مخاطب:

همه ما وقتی با یک کودک صحبت می‌کنیم برای فهم کلام ساده حرف می‌زنیم ادبیات و سطح سخن گفتن، ما در مواجهه با افراد مختلف جامعه تغییر می‌کند پس اگر مخاطب کتاب خود را می‌شناسید و سطح فکری و علمی او را میدانید نیازی به توضیح موارد

بدیهی نیست مثلاً اگر مخاطب کتاب شما یک شیمی‌دان است نیازی به توضیح عناصر تشکیل‌دهنده مولکول آب ندارید گاهی فکر می‌کنیم کامل بودن کتاب کیفیت آن را بالا می‌برد ولی باید بدانیم که خواننده اصلی کتاب ما با خواندن مطالب بدیهی خسته می‌شود برای اینکه دچار این مشکل نشویم بیا بید باهوش‌ترین فرد در حوزه موضوع کتاب خود را تصور کنیم و کل کتاب را برای او بنویسیم مثلاً هنگام نوشتن یک کتاب ورزشی، حرفه‌ای‌ترین ورزشکار را به‌صورت خیالی، مخاطب کتاب خود قرار دهیم و کتاب را این‌گونه بنویسیم با این روش از نوشتن مطالب ساده و تکراری در کتاب پرهیز می‌کنیم.

- راه‌های ارتباطی با نویسنده:

راه‌های ارتباطی با نویسنده را در ابتدا، انتها و پشت جلد کتاب درج کنید و با تدارک یک هدیه برای مخاطبین مانند فایل صوتی کتاب یا مواردی این‌چنینی خواننده را مجاب کنید که با شما ارتباط برقرار کند و شما با دریافت اطلاعات تماس مخاطب برای تبلیغات کتاب و یا دوره‌های بعدی خود به آن‌ها پیام دهید.

- صوتی کردن کتاب:

بعد از گرفتن مجوز می‌توانید کتاب را به‌صورت فایل صوتی درآورید بعضی از افراد کتابشان را با صدای خودشان ضبط می‌کنند اما باید بدانید که ضبط صدا حتماً باید در استودیو صدابرداری صورت بگیرد تا توسط پلتفرم‌های فروش کتاب صوتی مورد تأیید باشد. پلتفرم‌های فروش کتاب صوتی: کتاب راه، شنوتو، نوار و ...

- از تجربه زیسته خود گفتن:

برای مخاطب صحبت صادقانه از خودتان بسیار جذاب و تأثیرگذار خواهد بود شما می‌توانید در مقدمه یا در داخل کتاب بارها به تجربه

زیسته خود مرتبط با موضوع اشاره کنید و یا اینکه بیوگرافی خود را که چگونه به این مرحله از زندگی رسیده‌اید را بیان کنید مطمئناً افرادی باتجربه مشابه از این خود افشایی شما لذت خواهند برد.

– اوقاتی به نوشتن اختصاص دادن:

اگر بدون برنامه‌ریزی و مشخص نکردن زمان رسیدن به هدف (چاپ کتابتان) پیش بروید هرگز کتابتان را تمام نخواهید کرد ساعاتی از روز یا شب را خلوت کنید و به نوشتن و یا حتی فکر کردن به کتابتان اختصاص دهید شاید یک روز این زمان کوتاه و در روزی بلند باشد اما همین تداوم شمارا به هدف نزدیک خواهد کرد.

راهکارهایی برای نوشتن بخش‌های مختلف کتاب

به‌غیراز متن اصلی یک کتاب از بخش‌های مختلفی همچون مقدمه، پیشگفتار، نتیجه‌گیری، منابع و تشکرات تشکیل شده است که در ادامه توضیحاتی از هر بخش ارائه خواهیم داد:

تقدیم:

این صفحه که معمولاً قبل از مقدمه قرار می‌گیرد صفحه‌ای است که شما می‌توانید در آن کتابتان را از روی احترام به فردی که برایتان عزیز است و یا در تألیف کتاب نقش مؤثری داشته است تقدیم کنید این فرد می‌تواند یکی از اعضای خانواده شما، استاد شما و یا یک دوست باشد.

مقدمه:

مقدمه (چگونگی به وجود آمدن کتاب)

نویسنده در مقدمه باید به خوانندگان بگوید چگونه و چرا شروع به نوشتن این اثر کرده است. مقدمه باید به‌گونه‌ای نوشته شود که اعتباری برای نویسنده و کتاب را به همراه داشته باشد. مقدمه بسیار شبیه به پیشگفتار است، با این تفاوت که در اینجا خود نویسنده باید مخاطب را مجاب به خواندن و خرید کتاب کند. برای نوشتن مقدمه کتابتان به ترتیب از تیتروهای زیر کمک بگیرید و برای هر تیر یک پاراگراف بنویسید

موضوع:

اولین نکته در مورد نوشتن مقدمه اشاره به موضوع کتاب و توضیح کامل و مختصری در مورد آن است

مخاطب:

توضیح دهید که چه کسانی مخاطب اصلی این کتاب هستند

و این کتاب برای چه افرادی در چه گروه سنی با چه جنسیتی می‌تواند مفید باشد (مثلاً کتابی در خصوص مسائل آقایان، یا کتاب مخصوص نوجوانان، یا کتاب مخصوص افراد افسرده و غیره) نویسنده:

در مورد خودتان صحبت کنید که چه کسی هستید چه رزومه‌ای دارید و چرا صلاحیت نوشتن این کتاب را در خود دیده‌اید
دست‌آورد مخاطب:

مخاطب بعد از خواندن کتاب به چه دست‌آوردی خواهد رسید و کدام مشکل مخاطب بعد از خواندن کتاب شما حل خواهد شد
بخش‌های کتاب:

توضیح می‌دهید که کتاب از چه بخش‌هایی تشکیل شده و حتی می‌توانید فهرست‌وار مطالب کتاب را بیان کنید
مزیت رقابتی کتاب:

توضیح بدهید که کتاب شما چه تفاوتی با کتاب‌های مشابه دارد؟ مثلاً بگویید کتاب شما یک کتاب کاربردی است و یا اینکه کتابتان از مطالب دیگر کشورهاست ولی توسط شما بومی‌سازی شده است و مواردی مانند اینکه: به زبان ساده نوشته شده و یا بر اساس داستان واقعی است، یک تجربه زیسته محسوب می‌شود، کتابتان علمی است، در آن از زیاده‌گویی پرهیز شده و از اتلاف وقت شما جلوگیری خواهد کرد، همه مطالب پراکنده درباره موضوع در این کتاب جمع‌آوری شده و غیره

حالا که مقدمه کتاب را نوشته‌اید به شناخت بخش پیشگفتار می‌پردازیم

پیشگفتار:

اگر کتاب شما را شخصی دارای محبوبیت معرفی کند، بدون تردید تعداد زیادی از افراد جذب می‌شوند که اثر شما را بخزند یا به هر نحوی آن را بخوانند. باید از شخصی کمک بگیریم که محبوبیتی در بین مردم دارد و با توصیه خود کتاب شما ارزشمندتر می‌کند. آنگاه می‌توان بعد از چاپ کتاب به واسطه اعتبار شخصی که پیش‌گفتار کتابمان را نوشته در نشر کتاب موفقیت بیشتری کسب کنیم.

اگر خودتان پیشگفتار کتاب یا اثر خود را بنویسید، نام آن دیگر پیشگفتار نیست بلکه به آن مقدمه می‌گویند پیشگفتار حتماً باید توسط شخص دیگری نوشته شود که کلیت و کیفیت کتاب شما معرفی کند. تأیید شخص ثالث بر اثر شما تأثیر فوق‌العاده‌ای بر مخاطب هدف شما خواهد گذاشت.

قبل از خواندن پیشگفتار، خوانندگان معمولاً چک می‌کنند پیشگفتار توسط چه کسی نوشته شده است و بعد شروع به خواندن آن می‌کنند، مگر در مواردی که موضوع اثر شما تخصصی باشد و اسم کسی که پیشگفتار را نوشته کمتر اهمیت پیدا کند؛ بنابراین حتماً به این موضوع توجه کنید، شخصی که پیشگفتار را می‌نویسد در زمینه کاری شما سرشناس و محبوب باشد.

پس خوب فکر کنید که چه کسی برای نوشتن پیشگفتار اثر، می‌تواند تأثیرگذارتر باشد، برای مثال اولین استاد شما در زمینه کاریتان که از او نکات زیادی را یاد گرفته‌اید، می‌تواند گزینه‌ای مناسب باشد، گاهی اوقات توصیه فردی محبوب که کتاب شما را خوانده و تأثیرات آن را در زندگی شخصی خود دیده است، نیز می‌تواند باعث شود خوانندگان بهتر با اثر شما ارتباط بگیرند.

نکته: نوشتن پیشگفتار برای کتاب ضروری نیست، صرفاً می‌تواند تأثیری مثبت داشته باشد، اما اگر شخص مناسبی برای این کار ندارید، بهتر است تمرکز خود را روی بخش‌های اصلی کتاب بگذارید.

بعد از اینکه متوجه شدید، چه کسی برای نوشتن پیشگفتار کتاب شما مناسب‌تر است، نوبت به این می‌رسد که از او بخواهید پیشگفتاری جذاب برای اثر شما بنویسد. اگر شخص مورد نظر شما فردی سرشناس باشد، اعلام کردن چنین درخواستی ترسناک به نظر می‌رسد، اما بهتر است هرگونه نگرانی و ترسی را دور بیندازید و با تواضع و مؤدبانه درخواست خود را مطرح کنید، در مراحل درخواست خود برنامه‌ریزی و نظم را حتماً رعایت کنید.

ابتدا دلایل خود را برای انتخاب کردن شخص مورد نظر جهت نوشتن پیشگفتار بگویید، در قدم بعدی از تأثیرهای وی در زندگی و اثر خود یاد کنید، بگویید چه ویژگی‌هایی در آن شخص برای شما الهام‌بخش است؛ آب‌وتاب دادن در این قضیه به شما کمک خواهد کرد تا اعتماد طرف مقابل را برای نوشتن پیشگفتار به دست آورید. به موارد زیر توجه کنید:

- حس قدردانی را با کلام خود منتقل کنید و اطمینان بدهید نوشتن ۵۰۰ کلمه هم برایتان کافی است.

- پیشنهاد پیشگفتار صوتی را بدهید، به این صورت که شخص مورد نظر خود را به صورت تلفنی به شما اعلام کند، سپس بقیه متن را خودتان تنظیم کنید.

- اگر فرد مورد نظر نوشتن پیشگفتار را قبول کرد اما برای نوشتن آن وقتی نداشت، خودتان پیش‌نویسی را بنویسید و تأیید را بگیرید.

- باکارت هدیه و یا دسته‌گل حتماً حسن نیت و تشکر خود را اعلام کنید.
- در شبکه‌های اجتماعی حتماً از فرد موردنظر یادکرده و تشکر کنید.
- بعد از چاپ شدن اثر، یک جلد از کتاب با امضا برایش بفرستید.

تفاوت پیشگفتار و مقدمه کتاب

شاید در ابتدا این‌طور به نظر برسد که پیشگفتار کتاب و مقدمه کتاب یکی هستند و فقط با یکدیگر تفاوت لفظی دارند، اما وقتی به عمق مطلب دقت شود، متوجه می‌شوید که این دو کاملاً از هم متفاوت هستند و شاید بتوان گفت دلیل یکی دانستن پیشگفتار و مقدمه این است که هر دو در ابتدای کتاب و قبل از شروع متن اصلی آورده می‌شوند.

پیشگفتار (چرا خواننده باید کتاب را بخواند)

پیشگفتار مکانی برای نویسنده مهمان است تا به خواننده نشان دهد، چرا باید این کتاب را مطالعه کنند. پیشگفتار کتاب یک ابزار فروش و بازاریابی برای کتاب است. اگر به‌طور صحیح و توسط شخص مناسب نوشته شود، نویسنده کتاب اعتبار زیادی را در نظر خوانندگان کسب خواهد کرد. یادآوری این نکته ضروری است که نویسنده کتاب نباید پیشگفتار را خود بنویسد. پیشگفتارها خواننده را با نویسنده و همچنین موضوع کتاب آشنا می‌کنند و سعی در کسب اعتبار

برای هر دو دارند. یک پیشگفتار به‌طور کلی اطلاعات خاصی در مورد موضوع کتاب به خواننده نمی‌دهد؛ اما در عوض، متذکر می‌شود که چرا خواننده باید کتاب را بخواند. به‌عبارت‌دیگر پیشگفتار باید با خواننده ارتباط عاطفی برقرار کند.

نتیجه‌گیری:

تقریباً در انتهای هر نوع نوشته‌ای نتیجه‌گیری وجود دارد. یک پاراگراف نتیجه‌گیری خوب می‌تواند ذهن خواننده را وقتی به انتهای کارتان می‌رسد، تغییر دهد. نتیجه‌گیری آخرین بخش از یک مقاله تحقیقاتی، کتاب یا نوشتار است که کل اثر را خلاصه می‌کند. پاراگراف نتیجه‌گیری باید بیانی مجدد از کتاب شما باشد، نظریات اصلی‌ای که در طول اثر در مورد آن‌ها صحبت کرده‌اید را خلاصه کند و برداشت نهایی شما را از موضوع اصلی ارائه دهد. جمع‌بندی نهایی باید شامل نتایج معنوی داستان یا افشاکننده حقیقتی عمیق‌تر باشد.

هدف از پاراگراف نتیجه‌گیری جمع‌کردن نوشته شما و تأکید دوباره بر روی ایده‌ای است که در قسمت اصلی کتاب آورده شده است. ساختار بکار رفته در قسمت نتیجه‌گیری یکی از کلیدهای اصلی در نوشته‌های علمی است. نتیجه‌گیری ارتباط تنگاتنگی با مقدمه دارد. نتیجه‌گیری اگر به‌خوبی نوشته شود پیام اصلی نویسنده را به‌طور شفاف بازگویی می‌کند.

در ادامه چند راهکار برای نوشتن یک نتیجه‌گیری قدرتمندتر به شما ارائه می‌شوند که تأثیری ماندگار بر روی نوشته‌تان می‌گذارد. برای بخش نتیجه‌گیری، یک عنوان بنویسید. نتیجه‌گیری‌ها باید همیشه با جمله عنوان آغاز شوند. آوردن جمله‌ای از مقدمه در اولین

جمله از بخش نتیجه‌گیری روشی مؤثر برای یادآوری بحث اصلی به خواننده است.

از پاراگراف مقدمه به‌عنوان راهنما استفاده کنید. به هنگام نوشتن نتیجه‌گیری، یک کپی از پاراگراف مقدمه را به‌عنوان مرجع در دست داشته باشید. نتیجه‌گیری باید بر روی نکاتی که در مقدمه بدان‌ها اشاره کرده‌اید دوباره تأکید کنند. در بخش نتیجه‌گیری باید چکیده‌ای از مقدمه و نکات اصلی به همراه برداشت نهایی شما از موضوع آورده شده باشد.

ایده‌ای اصلی را خلاصه کنید. نتیجه‌گیری‌های اثربخش، مهم‌ترین اطلاعات را برای جمع‌بندی اصل مقاله ارائه می‌دهند. لازم است چکیده‌ای از تمام استدلال‌های پشتیبانی‌کننده خود را در قسمت نتیجه‌گیری وارد کنید تا مطمئن شوید خواننده با شما همسو است؛ اما نتیجه‌گیری باید فقط حاوی شواهد و تحقیقاتی باشد که در بدنه اصلی نوشته‌تان آمده است. برای معرفی اطلاعات جدید، تحقیقات آینده یا ایده‌های نو از قسمت نتیجه‌گیری استفاده نکنید، زیرا این امر می‌تواند خواننده را گیج کند.

احساسات خواننده را برانگیخته کنید. یک نتیجه‌گیری خوب از زبان عاطفی یا حسی برای ایجاد تصویری ماندگار و قدرتمند در ذهن خواننده استفاده می‌کند. استفاده از جذابیت‌های احساسی روشی عالی برای تأکید دوباره بر روی نکات اصلی است.

جمله پایانی داشته باشید. جمله پایانی شما باید کل کارتان را در ترکیب با نکات کلیدی به پایان برساند. نکته پایانی خود را واضح و صریح بنویسید. قرار دادن جمله پایانی تأثیر بسزایی بر روی ذهن خواننده می‌گذارد.

ذکر منابع:

اگر از مطالب دیگران در گردآوری کتاب خود کمک گرفته‌ایم باید در پاورقی و انتهای کتاب نام نویسنده و منبع مطالب را ذکر کنیم؛ یکی از دلایل مهم ذکر منابع اعتبار بخشیدن به مطلب مطرح‌شده است.

از طرف دیگر اشاره به منابع دیگر و استناد کردن به آن‌ها باعث می‌شود که ارزش کار شما بیشتر شود.

تمامی متن‌هایی که از کتاب‌ها و یا مقالات دیگر در کتاب شما آورده می‌شود باید دارای ارجاع به منابع اصلی آن‌ها باشند. همچنین اگر به کار محققین دیگر اشاره می‌کنید باید نام نویسندگان همراه با ارجاع به مقاله و گزارش تحقیق اصلی باشد. منابع و مأخذی که قادر به استناد به آن‌ها هستید شامل مقالات منتشره در مجلات علمی (که می‌توانند ترویجی و یا پژوهشی و یا حتی مروری باشند)، کتاب‌های چاپ‌شده اعم از تألیفی و یا ترجمه، پایان‌نامه‌ها و مقالات و گزارش‌هایی که در سایت‌ها به صورت رسمی منتشر شده‌اند، باشد. درنهایت باید تمامی ارجاعات داخل متن در فهرست منابع آورده شده باشند و همچنین تمامی مواردی که در فهرست منابع به آن‌ها اشاره شده است باید ارجاعی در داخل متن کتاب به آن باشد.

تشکر:

حتماً در انتهای کتاب از کسانی که به نحوی در گردآوری کتابتان نقش داشته‌اند تشکر کنید؛ تشکر و سپاسگزاری از کسانی که به شما هرچند کوچک کمک کرده‌اند شمارا فردی قدردان نشان می‌دهد که بیان‌کننده رفتار درست و ادب و احترام به دیگران است.

می‌توانید از کسانی که در این مسیر از شما حمایت کرده‌اند مثل خانواده، دوستان و از کسانی که به دانش شما در گردآوری کتاب اضافه کرده‌اند مانند اساتیدی که در رابطه با موضوع کتاب داشته‌اید و همچنین از کسانی که در مسیر چاپ کتابتان به شما کمک کرده‌اند مثل ویراستار، تصویرساز و ناشر قدردانی کنید و حتی با آوردن نام آن‌ها و معرفی کسب‌وکارشان قدمی در جهت جبران بردارید.

امیدوارم تا به الآن چگونگی نوشتن از تمام بخش‌های کتاب را آموخته باشید در این مرحله نوبت به انتخاب عنوان و زیر عنوان کتاب است عنوان همان نام کتاب است که گاهی می‌تواند فانتزی و تک اسم باشد ولی زیر عنوان معمولاً جمله‌ای کوتاه درباره محتویات کتاب خواهد بود که تصویر روشنی از آنچه کتاب برای خواننده دربر دارد می‌سازد.

انتخاب نام کتاب

نام کتاب مهم‌ترین بخش برای جذب مشتری و فروش آن است چون اولین چیزی است که در دید مخاطب قرار می‌گیرد و باید با آن یک کلمه یا عبارت مجذوب شود؛ شما باید یک لیست حداقل ۵۰ تایی برای نام کتاب خود داشته باشید و با شیوهی حذف هر می به یک عبارت و یا جمله برسید سعی کنید در حذف و انتخاب نام‌ها از اطرافیان خود کمک بگیرید تا بیشترین اثر را روی مخاطب خود بگذارید در زیر ساختارهایی برای نوشتن نام کتاب آورده‌ایم که به شما کمک خواهد کرد:

اشاره به موضوع کتاب: یعنی دقیقاً کلمه‌ای که موضوع کتاب

شمارا در برمی‌گیرد را برای اسم آن انتخاب کنید مانند اعتمادبه‌نفس،
رفع خجولی، رفع ترس، بازاریابی و فروش

اشاره به مخاطب کتاب: شما باید بدانید که مخاطب کتاب شما
چه بخشی از جامعه است و می‌توانید در انتخاب نام کتاب به آن
بخش موردنظر اشاره کنید: اعتمادبه‌نفس نوجوانان و یا اعتمادبه‌نفس
خانم‌ها، بازاریابی و فروش برای فروشندگان تازه‌کار، رهایی از زندگی
کارمندی (که مشخصاً برای کارمندان نوشته شده است)

استفاده از اعداد: استفاده از اعداد تأثیر بسیار زیادی روی ذهن
مخاطب خواهد گذاشت می‌توانید در نام کتاب از اعداد به این شکل
استفاده کنید: ۱۱۰ نکته از آداب معاشرت، چهل روش کسب درآمد

اسامی استعاره‌ای: شما می‌توانید بدون اشاره به موضوع از
عباراتی استفاده کنید که بیان‌کننده‌ی مفهوم کتاب می‌باشند مثلاً
کتاب‌های: از شنبه که درباره رفع تنبلی است و اگر دقت کنید ما
برای به عقب انداختن کارهایی که برای انجامش تنبلی می‌کنیم
همیشه می‌گوییم از شنبه شروع خواهیم کرد و نام این کتاب بسیار
هوشمندانه انتخاب شده است و یا کتاب (قورباغه را ببوس) که دوباره
در مورد رفع اهمال‌کاری و تنبلی نوشته شده است.

هر چه تعداد نام‌هایی که در لیست خود می‌نویسید بیشتر باشد
یعنی تمام گزینه‌های موجود را نوشته باشید و با روش حذف تدریجی
آن‌ها به یک نام رسیده باشید درنهایت به نام مطمئن‌تری خواهید
و هرگز از انتخاب نام کتاب خود پشیمان نمی‌شوید و در هنگام روند
چاپ آن نیز حتی برای یک لحظه هم مردد نخواهید شد در صورتی که
میدانم اگر شما این کار را نکنید دقیقاً تا لحظه چاپ کتاب بارها نام
را تغییر خواهید داد و حتی بعد از چاپ نیز پشیمان خواهید شد پس

تا می‌توانید لیست طولانی‌تری برای نام کتاب تهیه کنید.
تا به الآن همه‌چیز را برای نوشتن یک کتاب غیرداستانی گفته‌ایم
اگر نویسنده کتاب غیرداستانی هستید باید تا الآن کتابی در دست
داشته باشید به شما تبریک می‌گوییم پس از تکمیل آن به فصل چاپ
مراجعه کنید.

کتاب‌های داستانی

این بخش فقط برای ارائه پیشنهادهایی ابتدایی به نویسندگان کتاب داستانی است چون بر این باورم که یک نویسنده کتاب داستانی باید هنرمند باشد و از خلاقیت خود برای به کارگیری واژه‌ها طوری که بیشترین تأثیر را روی خواننده بگذارد؛ استفاده کند و هرچقدر در این راه تلاش کند کتاب‌های بهتری می‌نویسد اما اگر در ابتدای مسیر هستید اصلاً ناامید نشوید مطالب این فصل برای شروع کار بسیار مفید و کاربردی است و اگر کمی ذوق و سلیقه به خرج دهید حتماً کتاب داستانی خوبی خواهید نوشت.

انتخاب ژانر:

شاید همین‌الآن هم ایده نوشتن یک داستان را در ذهن داشته باشید اما قبل از نوشتن آن دانستن از انواع ژانرهای داستان‌نویسی لازم است و اگر هم ایده‌ای برای داستان ندارید نگران نباشید اولین قدم انتخاب ژانر مناسب برای شماست زیاد سخت نیست ببینید خودتان چه کتاب‌هایی را در چه ژانری برای خواندن دوست دارید این راحت‌ترین روش برای انتخاب ژانر است اگر فکر می‌کنید به چندین ژانر علاقه دارید آن ژانری را که بیشتر در موردش مطالعه کرده‌اید انتخاب کنید و اگر باز این کمکتان نمی‌کند ژانری که سهم بیشتری از فروش بازار را به خود اختصاص داده انتخاب کنید.

برخی از نویسندگان در پاسخ به این سؤال که نوع کتاب شما چیست و در چه ژانری قرار می‌گیرد، جوابی قانع‌کننده ندارند؛ مثلاً می‌گویند کتابی که نوشته‌ام کمی رمزآلود و جنایی است اما در بستری عاشقانه رخ می‌دهد. از طرفی تخیلی نیز محسوب می‌شود

و تکه‌هایی طنز هم در آن وجود دارد. این پاسخ نشان‌دهنده‌ی این است که شما مخاطب هدفتان را نمی‌شناسید و این خود یک ضعف بزرگ در فرآیند چاپ کتاب است. بدون درک مخاطب هدف، عرضه کتاب به بازار کاری دشوار خواهد بود. نکته‌ی دیگری که وجود دارد هنگام انتخاب و خرید یک کتاب توسط مخاطب است. فرض کنید شخصی قصد خرید یک کتاب تاریخی را دارد، پس بدون اتلاف وقت به سراغ قفسه کتاب‌های تاریخی می‌رود و احتمالاً کتاب شما را ژانر تاریخی دارد انتخاب می‌کند؛ اما اگر شما ژانر کتاب خود را داستانی انتخاب کرده بودید به دلیل اینکه در متن تاریخی چند داستان عاشقانه هم روایت شده است، به احتمال قوی مخاطب کتاب تاریخی شما را که هدف اوست یافت نمی‌کند. همین‌طور کسی که کتاب شما را به‌عنوان یک کتاب داستانی عاشقانه خریده باشد، راضی نخواهد شد چراکه بیشتر کتاب حول محور تاریخ می‌گذرد. به‌طور خلاصه، انتخاب ژانر مناسب، شانس فروش کتاب را بیشتر می‌کند.

پیش از هر کاری لازم است آشنایی کاملی با انواع کتاب و طبقه‌بندی انواع ژانر داشته باشید. به این منظور می‌توانید نگاهی به پرفروش‌ترین کتاب‌ها که بر اساس ژانرها تقسیم شده‌اند بیندازید و شرح مختصری از هر کدام از آن‌ها را بخوانید. با مطالعه قسمتی از کتاب می‌فهمید که کدام عنصر برای خوانندگان هر سبک مهم است.

عناصر کتاب خود مشخص کنید. به کتاب خود نگاهی بیندازید؛ آیا داستان عاشقانه‌ای دارد؟ آیا روایتی از یک جرم است یا اتفاقی ماورالطبیعه در آن رخ داده است؟ قهرمان کتاب چند سال دارد؟ این‌ها سؤالاتی است که باید از خود بپرسید تا با پاسخ به آن‌ها

بتوانید بهترین ژانر را انتخاب کنید.

مخاطب خود را شناسایی کنید. این را در نظر داشته باشید که هرکسی می‌تواند کتاب شما را به صورت تصادفی خریداری کند و از انتخاب خود رضایت داشته باشد یا حتی شگفت‌زده شود؛ اما احتمال آن بسیار کم است. به عبارتی این فرآیند بازاریابی محصول نیست بلکه تنها بر پایه شانس و شرایط است.

به جای تکیه بر شانس و اقبال، شما به‌عنوان یک نویسنده می‌بایست جامعه هدف خود و خوانندگان مشتاق موضوع کتابتان را مشخص کنید.

بعد از شناخت مخاطب، به کتاب‌هایی فکر کنید که طرفداران سبک و محتوای کتاب شما ممکن است از آن‌ها لذت ببرند و ببینید آن‌ها در چه ژانری دسته‌بندی شده‌اند. به این ترتیب می‌توانید ژانری را که مناسب کتاب شماست شناسایی کنید.

همه می‌دانیم که خواندن کتاب تأثیرات باورنکردنی روی ذهن و عملکرد انسان در زندگی فردی و اجتماعی دارد. خواندن انواع کتاب، به زندگی انگیزه داده و تخیل را پرورش می‌دهد. فرقی نمی‌کند که شما طرفدار کتاب‌های عاشقانه باشید یا دیوانه‌وار به دنبال کتاب‌های تاریخی بوده و از غرق شدن در گذشته لذت ببرید.

چیزی که در این میان مهم است، ماندن در فضای کتاب‌خوانی است. فضایی که ما را آرام می‌کند و به لحظه‌هایمان عمق می‌بخشد.

انواع ژانر کتاب های داستانی

طنز: بیان هنرمندانه‌ی یک موضوع است که به قصد اصلاح آن بیان می‌شود نه به قصد تخریب. طنز در ادبیات به نوع خاصی از آثار ادبی (چه شعر و چه نثر) گفته می‌شود که رفتارهای نامطلوب افراد را به شکل خنده‌داری به چالش می‌کشد. همچنین طنز را تیغ جراحی نیز می‌نامند که با برش دادن قسمتی باعث بهبود آن می‌شود؛ چراکه طنز با گفتن اشکالات سعی به اصلاح و رفع آن مشکل دارد.

جنایی: اعمال مجرمان و انگیزه‌های آنان را روایت می‌کند. این سبک خود به چندین زیر سبک از جمله ادبیات پلیسی تقسیم می‌شود. در داستان‌های جنایی معمولاً قتل یا قتل‌هایی اتفاق می‌افتد و فرد یا افرادی مأمور می‌شوند که راز آن قتل‌ها را کشف کنند. اغلب این داستان‌ها هم به منظور قصه‌گویی صرف و سرگرمی نوشته می‌شوند مگر آنکه داستان یک شخصیت محوری داشته باشد که نویسنده بتواند به جنبه‌های پیچیده شخصیت او نزدیک شود، مثل سکوت بره‌ها یا بعضی داستان‌های دیگر مشابه آنکه در آن‌ها داستان از جنبه جنایی صرف بیرون آمده و شخصیت‌ها عمق پیدا کرده‌اند داستان‌نویسی درباره جنایت‌ها و تاریخ‌های جنایت به موضوعی مهم در ادبیات تبدیل شده است. به گونه‌ای که به گفته اهالی این حوزه این‌گونه کتاب‌ها چراغی را در گذشته روشن می‌کنند تا آینده قابل‌رویت باشد.

عرفانی: داستان عرفانی، گونه‌ای از ادبیات است که موضوعاتی ذهنی و روحانی و تفکراتی چون گسترش آگاهی، معنویت، عرفان و فراروان‌شناسی را دست‌مایه‌ی پیشبرد داستان خود قرار می‌دهد.

مذهبی: داستان‌هایی که مذهب در پیشبرد قصه، نقش پررنگی داشته است که در بین آن‌ها رمان عاشقانه مذهبی و یا داستان‌هایی که درباره‌ی یک شخصیت برجسته‌ی دینی نوشته شده‌اند وجود دارد. گاهی نیز قهرمان داستان درگیر مسئله‌ی دین و خدا خواهد شد.

فانتزی: این ژانر در جهانی واقع شده که غالباً از افسانه‌ها و فرهنگ مردم در جهان واقعی الهام گرفته شده است. ریشه این ژانر در سنت‌های شفاهی است و از قرن بیستم به رسانه‌های مختلفی از جمله فیلم، تلویزیون، رمان، فیلم‌های متحرک و بازی‌های ویدیویی راه یافته است.

ماجراجویی: داستان‌های ماجراجویی، ژانری از داستان‌ها هستند که معمولاً خطرآفرین‌اند یا هیجان را به خواننده القا می‌کنند.

عاشقانه: این نوع کتاب، بر اساس روابط و احساسات بین دو نفر شکل گرفته شده است. این گونه رمان‌ها خود به زیر دسته‌هایی تقسیم می‌شوند. مثلاً بهترین رمان‌های تاریخی عاشقانه یکی از این زیر دسته‌هاست.

ترسناک، وحشت: نویسنده در این سبک با تصویر کردن یک فضای وهم‌آور و ترسناک سعی در ترساندن و تهییج خواننده دارد. غالباً آنچه در یک کتاب داستانی ترسناک یک تهدید محسوب می‌شود، استعاره‌ای از ترس بزرگ‌تر یک جامعه است.

مهیج: در این نوع از انواع کتاب، اغلب قهرمانی سرسخت و باهوش دیده می‌شود؛ اما این قهرمان انسانی معمولی است که در برابر اشرار قرار می‌گیرد و سعی در نجات کشور و غیره است. این نوع کتاب‌ها هیجان زیادی برای خوانندگان و علاقه‌مندان‌شان دارند. داستان‌های کارآگاهی، جنگی از این دست ژانر است.

علمی تخیلی: داستان‌های علمی-تخیلی، ژانری از کتاب است که به‌طور معمول با مفاهیم خیالی و آینده‌نگران سروکار دارد. مفاهیمی چون علم و فناوری، اکتشافات فضایی، سفر در زمان، جهان‌های موازی و زندگی فرازمینی. این ژانر علاوه بر سرگرمی، می‌تواند جامعه‌ی امروزی را نیز مورد انتقاد قرار دهد و در بسیاری موارد نیز الهام‌بخش و زمینه‌ساز اکتشافات جدید باشد.

کتاب‌های زندگی‌نامه: در این کتاب‌ها به شرح حال زندگی افراد پرداخته می‌شود، معمولاً این نوع از کتاب‌ها به زبان خودِ شخص و یا یک فرد دیگر برای افراد مشهور و شناخته‌شده نوشته می‌شود. کتاب‌های سفرنامه: نوشتن داستان‌های سفر از دید شما می‌تواند برای افراد زیادی جالب باشد و آن‌ها را به خواندن سفرنامه شما سوق دهد و همین‌طور چاپ سفرنامه چه به صورت فیزیکی و یا الکترونیکی و دیجیتال، در هر دو حالت شمارا در زمره نویسندگان کتاب سفرنامه قرار می‌دهد.

و همچنین ژانر معمایی، رئالیسم جادویی (واقعیت با چاشنی جادو)، ژانر تاریخی-داستانی، ادبیات زنان و رمان گرافیکی یا کمیک بوک‌ها برای ارائه داستان وجود دارند. شما می‌توانید با ترکیب موضوعات و ژانرهای مختلف اثر جدیدی خلق کنید برخی از کتاب‌های موجود در بازار از ترکیب ژانرها نوشته شده‌اند مثلاً ژانر تخیلی کمدی و عاشقانه در یک کتاب.

اگر هنوز در انتخاب ژانر خود مردد هستید از روش جدولی که برای انتخاب ژانر کتاب‌های غیرداستانی استفاده کردیم کمک بگیرید.

مطالعه کتاب‌های مرتبط:

باید تا این لحظه ژانر موردنظر خود را برای نوشتن کتاب‌های داستانی انتخاب کرده باشید مرحله‌ی بعد از انتخاب ژانر کسب اطلاعات در مورد آن ژانر و خواندن کتاب‌های معروف نوشته‌شده در آن ژانر است این کار به شما کمک می‌کند بایدها و گسترده‌تری داستان خود را بنویسید قصد نداریم با خواندن نوشته‌های موجود چیزی را کپی کنیم بلکه قصد داریم با آگاهی از آنچه در ادبیات امروز از ژانر موردعلاقه ما وجود دارد؛ خلاقانه‌تر به نوشتن کتاب خود بپردازیم.

نوشتن داستان

پیشنهاد اول من این است که اگر داستانی در ذهن دارید اول آن را بدون هیچ مانع و محدودیت ذهنی همان‌طور که از ذهنتان تراوش می‌شود بنویسید و بعد در زمان ویرایش و اصلاحات موارد زیر را بخوانید که داستان بهتری بسازید. نوشتن داستان مهم‌ترین و تا حدودی سخت‌ترین بخش کار است که با پاسخ به پرسش‌های زیر آسان‌تر خواهد شد:

همه‌چیز از یک سؤال کلی شروع خواهد شد که قرار است در کتاب شما پاسخ داده شود و بعد کم‌کم در پی جواب دادن به آن سؤال، سؤالات دیگری در ذهن شما شکل خواهد گرفت مثلاً اینکه چه کسی قصه را می‌گرداند؟ فاعل داستان چه کسی است؟ محل رخداد قصه کجاست؟ با چه آدم‌ها و آداب رسوم و فرهنگی؟ در چه زمانی گذشته، آینده، حال و یا در لازمانی؟ در چه بازه کوتاه یا بلند زمانی؟ چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ چرا این اتفاق می‌افتد؟

چگونه اتفاق می‌افتد؟

این‌طوری قسمت‌های مختلف داستان به‌صورت مجزا به ذهن‌تان می‌رسد و می‌توانید آن‌ها را کنار هم بچینید و یک داستان جذاب خلق کنید البته این‌رو هم بدونید که ساده‌ترین روش برای چیدمان تکه‌ها، نگاه کردن به الگوی زیر است:

۱ شروع داستان

۲ رخ دادن یک حادثه

۳ اوج داستان (معمولاً پیچیده‌تر شدن اوضاع است)

۴ حل مشکل

۵ پایان

شما در طول نوشتن به دانستن چیزهای زیادی نیاز پیدا می‌کنید که مجبور به مطالعه و تحقیق در مورد آن‌ها هستید برای مثال چگونه تمام کردن پاراگراف‌های پایانی هر فصل که خواننده را برای خواندن فصل بعد ترغیب کند یا چگونه ایجاد سؤال و جذابیت کردن در داستان و یا استفاده از یکشی یا یک عطر و یا موسیقی برای بیان خاطره و یا کشف یک ماجرا در طول داستان و بسیاری چیزهای دیگر که در حین نوشتن بسته به ژانر شما موردنیاز خواهد بود و با کمی مطالعه و جستجو به دست خواهید آورد.

در مورد مقدمه و پیشگفتار و تقدیم و تشکر در فصل‌های قبل صحبت کردیم این موارد برای کتاب‌های داستانی و غیرداستانی متفاوت نخواهد بود و اما در ادامه نکات بسیار مهمی را شرح داده‌ایم که دانستن از آن‌ها برای یک نویسنده داستان خالی از لطف نیست.

مختصری از مفیدترین نکات در داستان‌نویسی

قرار نیست تمام موارد بیان‌شده به درد داستان شما بخورد این موارد نکات مهمی هستند که باعث تأثیرگذاری بیشتر روی مخاطب در اکثر داستان‌ها بوده‌اند پس مواردی را که به کارتان می‌آید انتخاب و در داستانتان اجرا کنید.

در داستان موجز بنویسید:

یعنی از بیان جملات اضافه بپرهیزید البته این بدان معنی نیست که فضاسازی‌ها و نوشتن از احساسات را حذف کنید بلکه احساسات را طوری بیان کنید که مثلاً دو جمله بیان‌کننده‌ی یک حس نباشد و یا دو کلمه پشت سر هم یک معنی را ندهد؛ یا مثلاً وقتی می‌گویید آن‌ها روی مبل ولو شده بودند این را می‌رساند که مبل از نوع راحتی است نیازی نیست در جمله‌ای دیگر به مبل راحتی اشاره کنید درواقع چیزی بنویسید که با حذف آن متن ناقص شود.

و اگر ابزار، اجسام و یا موجوداتی در داستان شما وجود دارند باید وجود آن‌ها مهم و با ربط به شخصیت‌های داستان باشند مثلاً اگر از یک لیوان و یا شب مهتابی سخن می‌گویید باید از ارتباط آن لیوان و یا شب مهتابی به شخصیت‌های داستان هم‌سخن بگویید تا مشخص شود که چرا و به چه دلیل درجایی از داستان به آن لیوان اشاره کرده‌اید نباید از مواردی در داستان صحبت کنید که هیچ ربطی به داستان ندارد دقت کنید که هیچ‌چیز اضافه‌ای در داستان وجود نداشته باشد.

هر دیدار یا برخورد و اتفاق در داستان باید بیان‌کننده یک نکته مهم و جذاب باشد که به رساندن پیام کل داستان کمک می‌کند اگر مهم نباشد دلیلی برای نوشتن آن وجود ندارد اما گاهی در بعضی

از سبک‌های نویسنده‌گی استفاده از طنز و نوشتن چیزهای بدیهی که خیلی ساده و بی‌ربط به نظر می‌رسند هدفمند بوده و در طول داستان هدف نویسنده از بیان آن‌ها مشخص خواهد شد.

پاسخگوی ذهن کنجکاو خواننده باشید:

اگر از شخصیتی در داستان صحبت می‌کنید که در حاشیه و کم‌رنگ است لاقلاً دو سه بار در دل داستان به همان کم‌رنگی یا کمی بیشتر از آن صحبت کنید به این می‌گویند ترکیب‌بندی در متن زیرا وقتی از شخصیتی ناشناس صحبت می‌کنید برای ذهن خواننده در مورد آن سؤال پیش می‌آید که باید تا پایان متن به آن پاسخ دهید و گرنه آوردن آن شخصیت در فضای داستان بیخود و بی‌جهت است. مثلاً گارسون یک رستوران که شخصیت‌های اصلی در آن ناهار می‌خورند شاید هیچ ربطی به داستان نداشته باشد پس یا از آن اسم نبرید یا اگر اسم می‌برید پاسخگوی ذهن کنجکاو مخاطب در ادامه داستان باشید طوری که چندین بار از آن اسم ببرید ولی همان‌طور کم‌رنگ و در حاشیه تا مخاطب مطمئن شود که این شخصیت زیاد مهم نیست و یا می‌توانید یکی از کارهای مهم داستان را چند روزی به او بسپارید درست مثل نقش سیاهی لشگرها در فیلم که گاهی در همان سطح باقی می‌مانند و گاهی نقشی بزرگ‌تر ایفا می‌کنند به‌رحال یک‌بار اسم بردن از یک شخصیت در داستان می‌تواند بی‌فایده و بی‌مورد باشد و کار شمارا ضعیف جلوه دهد البته که در بعضی سبک‌های نویسنده‌گی یک شخصیت واحد داریم و صدها شخصیت در حاشیه که فقط یک‌بار از آن‌ها نام‌برده می‌شود باز هم اینجا خواننده توجیه شده است که اکثر شخصیت‌ها فقط یک‌بار وارد داستان خواهند شد و ذهن کنجکاو آرام می‌گیرد.

شخصیت‌ها:

فرقی نمی‌کند: یک پیرمرد ثروتمند، یک زن دانشمند، یک آدم ساده، یک دختر بچه‌ی باهوش، یک پسر خجالتی، یک آدم فضایی، یک اژدها و یا هر شخصیت دیگری؛ باید برای آن طوری وقت بگذاریم و قهرمان سازی کنیم که خواننده بعد از خواندن متن در مورد قهرمان داستان، همراه با ما اشک بریزد و یا از ته دل بخندد و نه اینکه از ابراز احساساتمان حالت تهوع بگیرد. طوری بنویسیم که خودمان با متن خودمان با شوق بخندیم و یا متأثر شویم زمانی بیان یک احساس از زبان شخصیت داستان تهوع‌آور است که باورپذیر نباشد و آن شخصیت به‌قدر کافی به خواننده معرفی نشده باشد به همین دلیل گفتن بعضی موارد در متن غیرمعمول به نظر می‌رسد. سعی کنید دیالوگ‌های شخصیت‌هایتان به‌قدری تأثیرگذار باشد که دیالوگی ماندگار شود جملات را چندین بار بررسی کنید از بیان دیالوگ‌های معمولی و بی‌هدف در فضای داستان بپرهیزید این‌گونه تمام جملات شخصیت داستان تأثیر برانگیز خواهد شد.

مرتب به این فکر کنید جمله‌ای که از زبان شخصیت داستان خود می‌نویسید با او سازگار است مثلاً یک شخصیت آرام و بی‌آزار را درجایی برای پیشبرد داستان به‌اجبار خشن جلوه ندهید این ضعف شما در گسترش متن را می‌رساند مگر اینکه دلیلی برای این خشم نهفته در شخصیت داستان خود نوشته باشید که با یک اتفاق تغییر کند مثلاً به خاطر از دست دادن عزیزترین فرد زندگی‌اش تبدیل به آدم بدی می‌شود که انتقام بگیرد.

شخصیت‌ها رو به‌خوبی معرفی کنید می‌توانید برای هر شخصیت یک فایل ورد بسازید و در مورد احساسات آن شخصیت، کاری که

انجام می‌دهد و به آن علاقه دارد و یا شغل او، محل زندگی، جزئیات رفتاری، تیک شخصیتی، نقص‌ها و یا افکارش بنویسید و از آن در روند داستان کمک بگیرید معرفی یک شخصیت می‌تواند به یک‌باره در داستان صورت بگیرد و یا در طول داستان کم‌کم به هر کدام از ویژگی‌های آن اشاره شود که مورد دوم موجب برانگیختن کنجکاوی خواننده خواهد شد.

در اکثر مواقع پیدا کردن یک همراه برای شخصیت داستان که درست نقطه مقابل آن باشد و از همه لحاظ با او مخالفت کند؛ ایده‌های نابی را در روند داستان ایجاد می‌کند گاهی می‌تواند این همراه به‌طور فرضی در ذهن ما باشد این باعث می‌شود همیشه به جنبه دیگری از اتفاقات داستان نگاه کنیم از دید کاملاً مخالف با آنچه تصور می‌کنیم.

برای کارهایی که شخصیت داستان انجام می‌دهد دلیل بیاورید مثلاً اگر شخصیت داستان عاشق پنی‌ر است درجایی به داستان آن اشاره کنید که چرا عاشق پنی‌ر شده است اگر دلیل این کارها را بیان نکنید در ذهن خواننده کم‌کم حفره‌هایی از سؤالات ایجاد می‌شود که جواب نگرفته و این موضوع او را خسته می‌کند و از خواندن ادامه داستان لذت نخواهد برد.

برای زنده کردن و باورپذیر ساختن شخصیت داستان دیالوگ‌ها را به‌صورت گفتگوی بین دو یا چند نفر انجام دهید. راوی صرفاً نظر شخصی و برداشت خود را از شخصیت و کاراکتر بیان میکند و برای خواننده این موضوع باورپذیر نخواهد بود اما زمانی شخصیت زنده و باورپذیر می‌شود که از زبان خودش صحبت کند.

در هنگام نوشتن دیالوگ‌ها باید مقام، تحصیلات، شغل و موقعیت

اجتماعی شخصیت در نظر گرفته شود توجه به این نکات داستان ما را باورپذیر خواهد ساخت. البته باورپذیر ساختن یک داستان بعد از نوشتن آن در مرحله ویرایش صورت می‌گیرد.

وقتی از گفتگوی میان دو نفر صحبت می‌کنیم فضایی که آن‌ها در حال صحبت هستند را نیز باید توصیف کنیم تا خواننده آن‌ها را مشغول گفتگو در یک خلاً تصور نکند حتی می‌توان به شیء که کاراکتر موقع صحبت با آن بازی می‌کند اشاره کرد.

در هنگام دیالوگ‌نویسی یک شخصیت نباید بیشتر از سیزده کلمه صحبت کند بیشتر صحبت کردن یک شخصیت در دیالوگ خسته‌کننده و ملال‌آور خواهد بود اگر می‌خواهید بیشتر از ۱۳ کلمه از زبان یک شخصیت در دیالوگ صحبت کنید با جابجایی یکشی پرتاب کردن یک‌چیز یا تغییر فضا از خسته‌کننده بودن متن بکاهید.

یکی از بهترین جاها برای بیان خصوصیات اخلاقی و رفتاری شخصیت‌های داستان در دیالوگ‌نویسی شکل خواهد گرفت.

وقتی می‌خواهید وسط دیالوگ‌نویسی دونفره، شخص سومی را وارد کنید بلافاصله نگوید فلانی گفت: بلکه یک جمله در مورد کاری که او در آن فضا انجام می‌دهد، بگویید و سپس او را وارد صحبت کنید
مثال:

یک دختر نودساله است که اگر آیدین اخلاقیش را خوب کند زنش می‌شود و بعد آیدین منگ و خواب‌آلود دراز کشید. مادر کمک کرد که او را به اتاق زیرزمین برسانیم. گفت: آیدین، دلت می‌خواهد برگردی به اتاق سابق؟ پیش اورهان؟

اینجا قبل از وارد کردن مادر به گفتگو جمله‌ای از کاری که مادر انجام می‌دهد آورد و سپس صحبت مادر را اضافه کرد.

یکی از نکات جالب توجه در داستان نویسی شخصیت پردازی خانواده شخصیت اصلی داستان است حتی اگر نقش زیادی در روند داستان نداشته باشند شخصیت آن‌ها را باید طوری تعریف کرد که نقاط ضعف و قوت شخصیت داستان را پوشش بدهند یعنی پرورش یافتن شخصیت اصلی داستان در چنین خانواده‌ای بعید و غیرقابل باور نباشد. اگر می‌خواهیم حس خوب یک شخصیت را توصیف کنیم به جای گفتن این جمله که او حس خوبی داشت می‌توانیم به مواردی که در او ایجاد حس خوب کرده است اشاره کنیم مثلاً از باد خنکی که صورتش را نوازش می‌دهد و یا تصویر لذت بخشی که از پنجره می‌بیند صحبت کنیم.

تصویرسازی:

اگر فکر می‌کنید تصاویر می‌توانند انتقال حس و درک مطلب را بیشتر کنند از تصویرسازی در کتابتان استفاده کنید قبل از سفارش به تصویرساز حتماً نمونه کارهای او را ببینید و در مورد مواردی که نیاز به تصویر دارد به خوبی با تصویرساز صحبت کنید گاهی تصاویری که تصویرساز از متن شما می‌کشد به کلی خواننده را گمراه خواهد کرد به همین دلیل یا خودتان برای کتابتان تصویرسازی کنید یا تصویرساز بسیار خوبی برای این کار انتخاب کنید در غیر این صورت متن خالی تأثیر بیشتری خواهد داشت.

زمان داستان:

از نظر زمان بندی مطالب خود را چک کنید مثلاً اگر از قرص ماه صحبت می‌کنید باید شب چهاردهم باشد یا اگر از گل قاصدک صحبت میکنید حتماً در داستان باید در فصل بهار باشید یا مثلاً اگر از میوه صحبت میکنید حتماً در آن فصل کتاب آن میوه موجود باشد این‌ها نکات ظریفی است که دقت در آن‌ها کتاب شمارا بهتر و دقت

نکردن در آن‌ها فاجعه به بار خواهد آورد.

فضای داستان:

حتماً فضای داستان را توصیف کنید خواننده نباید فضای گنگ و ناشناسی از داستان شما در ذهن داشته باشد همچنین سعی کنید فضا را باظرافت تمام توصیف کنید این کار را می‌توانید در ابتدای داستان و یا کم‌کم در خلال داستان بیان کنید برای اینکه توصیف این کار خسته‌کننده نباشد به موارد خاص اشاره کنید مثلاً انگوری که از روی دیوار حیاط آقای امیر به زمین ریخته انگور بی هسته‌ی دولایه است که در هیچ جای شهر پیدا نمی‌شود می‌گویید بذرش را از فرنگ آورده‌اند و یا چیزهایی را توصیف کنیم که دلیلی برای گفتنش داریم مثلاً زمانی از فندق روی طاقچه که به رنگ قرمز است بگوییم که شخصیت داستان سیگاری باشد و آن فندق را از معشوقه‌اش هدیه گرفته باشد و چه‌بتر که آن معشوقه هم دیگر با او نباشد.

هر توصیف فضا باید دلیلی داشته باشد. درست مثل کاری که طراح صحنه در یک فیلم انجام می‌دهد مثلاً وسایل داخل یک اتاق را طوری چیدمان می‌کند که تک‌تک آن‌ها بیان‌کننده حالات و روحیات صاحب آن اتاق یا کاری که قرار است در آن اتاق صورت بگیرد باشد مثلاً اتاق یک نوجوان ۱۳ ساله و افسرده را با توپ تنیس خاک خورده‌ای گوشه دیوار که نشان از شکست در مسابقات تنیس است و دقیقاً دلیل افسردگی اوست چیدمان می‌کند دقت کنیم فضا به‌اندازه شخصیت‌ها مهم هستند و باید متناسب با روحیات آن‌ها طراحی شود. البته سخت‌گیرید این کار بعد از نوشتن متن هم در زمان بازنگری قابل اجرا خواهد بود.

چند توصیه:

- گاهی توضیحات زیاد در مورد یک موضوع در داستان آن‌قدر

طولانی می‌شود که از هدف داستان به کلی دور می‌شویم یا دامن باشد که ذهن خواننده را با ایجاد سؤالاتی در داستان کنجکاو کرده‌ایم پس باید به پاسخ به آن سؤالات پردازیم پرداختن به حواشی خواننده را از این که جواب نمی‌گیرد خسته می‌کند بعضی داستان‌ها آن قدر مسائل بی‌ربط را توضیح می‌دهند که خواننده مجبور می‌شود برای جواب گرفتن یک‌راست سراغ آخر داستان برود و ماجرا را زودتر از خواندن مطالب کتاب شما بفهمد اینجاست که شما در ایجاد سؤال بسیار موفق بوده و در پاسخ درست و به‌وقت به آن سؤال ضعیف عمل کرده‌اید.

- شما یک نویسنده فارسی‌زبان هستید تا آنجا که می‌توانید از کلمات فارسی استفاده کنید و در حفظ این زبان کمک کنید.

- در هنگام نوشتن از واژه‌یاب آنلاین برای سرچ مترادف کلمات استفاده کنید مثلاً به‌جای استفاده از کلمه (تمرین) می‌توانید از کلماتی چون: تکرار، کلاس تقویتی، اضافه‌کاری و غیره در متن خود استفاده کنید اما باید ببینید بهترین کلمه برای جایگذاری در متن شما چه خواهد بود.

- هر فصل را با یک اتفاق جذاب که در ذهن خواننده ایجاد کنجکاو می‌کند تمام کنید آن اتفاق می‌تواند مهم‌ترین موضوع فصل باشد که خواننده منتظر خبری از آن است مثل خبر از مرگ یک شخصیت یا یک موجود، رفتن یا نرفتن به مکانی و یا هر چیز دیگری باشد که خواننده را به خواندن فصل بعد برای فهمیدن آن ترغیب می‌نماید.

- می‌توانید در انتهای کتاب یک لیست از نکات مهم و کلیدی و یا جملات تأثیرگذار تهیه کنید که خواننده برای پیدا کردنش باید

کل کتاب را زیرورو کند و شما با این کار به او حس بهتری خواهید داد و خواننده برای مرور آن‌ها بازهم به سراغ کتاب شما خواهد آمد.

- داستان می‌تواند حول محور یک باور طراحی شود و نویسنده از بیان آن هدف مشخصی داشته باشد و کل داستان در جهت بیان آن باور به مخاطب طراحی شود؛ برای مثال:

- تو زندگی هیچ‌وقت بازنده نباش

- سخاوتمندی همیشه جواب می‌دهد

- بایستکار به همه چیز می‌رسد

- عشق یک موهبتِ

و امثال این باورها که می‌تواند محوریت اصلی یک داستان را شکل بدهد. البته اغلب نویسنده‌ها به صورت ناخودآگاه باورهای خودشان را به دل داستان می‌کشانند و گاهی عمداً برای اثبات باورهایشان داستان‌سرایی می‌کنند.

- نقشه راه و مسیر کلی داستان را حداقل در ذهن طراحی کنید و بعد به جزئیات پردازید شاید تمام آن‌ها را در نهایت تغییر دهید اما دانستن کلیت داستان کمک می‌کند که در پرداختن به جزئیات نیز جهت بگیرید و نیازی نباشد که از همه چیز صحبت کنید مثلاً اگر از قبل داستان کلی را در ذهن مرور کنید میدانید که برای توصیف شهر یا مکانی که داستان قرار است آنجا شکل بگیرد لازم نیست از تک‌تک دیوارها، خانه‌ها یا مغازه‌ها صحبت کنید و فقط به توضیح آن‌هایی می‌پردازید که بعداً در داستان قرار است به آن فضاها اشاره کنید. برای این کار لازم است از قبل بدانید مثلاً شخصیت داستان جلوی کدام مغازه تصادف می‌کند و یا چشمانش با آبی کدام گل

رونده همخوانی دارد.

- انتخاب ابزار و یا وسایل خاص که در نقاط اوج داستان بودن یا نبودن آن‌ها تعیین‌کننده است و یا یادآور خاطره‌ای است و به هدف اصلی داستان مرتبط است گاهی داستان با آنشی خاتمه می‌یابد مثلاً یک درخت و یا یک لیوان در داستان به قدری تعیین‌کننده باشد که خواننده آخر داستان را با آمدن نام آن‌ها حدس می‌زند و این قدرت استفاده از اشیا در یک داستان است؛ مثلاً اینشی می‌تواند یک ساعت باشد ولی نه هر ساعتی؛ می‌تواند یک ساعت خاص که روی زمان خاصی ایستاده است؛ باشد که درجایی شروع به حرکت می‌کند. می‌تواند یک شمشیر باشد ولی نه هر شمشیری آن شمشیری که متعلق به یک شوالیه است. انتخابشی روند داستان را جذاب می‌کند و هر جا نامی از آنشی برده می‌شود خواننده را نسبت به گزینه‌های مربوط به آن کنجکاو می‌سازد و اغلب خواننده مواردی را بدون بیان نویسنده حدس می‌زند چیزهایی که از آن در هیچ جای داستان گفته نشده اما خواننده در موردش می‌داند و این‌گونه رابطه‌ای عمیق بین خواننده و نویسنده شکل می‌گیرد.

- پشت هر اتفاق در داستان باید انگیزه‌ای وجود داشته باشد انگیزه‌ای که باورپذیر باشد نباید اتفاقات عجیب به نظر برسند و بدون دلیل آن‌ها را کنار هم قرار بدهیم برای پیش بردن روند داستان عجله نکنیم سعی کنیم ساختمان داستان با دلایل محکم بنا شود مثلاً دختری که از مادرش به دلیلی متنفر است یک دفعه برایش گل می‌خرد اینجا خواننده منتظر بازگو کردن دلیل این کار غیرقابل‌باور است که اگر پاسخ نگیرد کل داستان را زیر سؤال خواهد برد.

پایان داستان:

نوشتن پایان داستان گاهی آن قدر سخت می‌شود که برخی نویسندگان چندین پایان برای داستان خود می‌نویسند و بعد از دیدن بازخورد از مخاطبان یک پایان را انتخاب می‌کنند البته گاهی پایان داستان از همان ابتدا مشخص است و طرح کلی داستان و هدف از نوشتن آن ما را به یک نوع پایان می‌رساند اما باز هم نحوه نوشتن آن و میزان تأثیرگذاری نکته بسیار مهمی است و البته روند شکل‌گیری داستان طوری است که ممکن است به‌طور کلی متفاوت از داستان اولیه که در ذهن داشتیم نوشته شود و در نتیجه پایان متفاوت از ذهنیت قبلی ما خواهد بود یک پایان خوب باید درخور ژانر انتخابی باشد.

بازنگری:

با این فرض پیش می‌رویم که کتاب را نوشته‌اید و می‌خواهید آن را دوباره خوانی کنید به شما تبریک می‌گویم چون نوشتن کتاب داستان پروسه‌ای طولانی (یک تا پنج سال) است و بازخوانی آن این پروسه را طولانی‌تر هم خواهد کرد اما هرگز برای چاپ کتاب داستان خود عجله نکنید و سعی کنید بارها و بارها آن را در بازنگری پربارتر از قبل بسازید گاهی این بازنگری حتی پنجاه یا صدبار اتفاق خواهد افتاد فکر نکنید که باید اولین جملاتی که به ذهنتان خطور می‌کند بهترین انتخاب‌ها باشد شاید بعد از ۴۹ بار ویرایش یک جمله، درنهایت به حذف آن فکر کنید این مسیری است که نویسندگان بزرگ برای خلق شاهکار خودشان طی کرده‌اند.

این مورد را همیشه در یاد داشته باشید که هرگز در زمان نوشتن کار ویرایش متن را انجام ندهید همیشه آزاد و رها بنویسید و هنگام نوشتن هرگز به نگارش و غلط‌آملائی فکر نکنید فقط و فقط

بنویسید استاد کلاس طراحی من می‌گفت اگر پاک‌کن در دستتان بینم نمره‌ای نمی‌گیرید زیرا نوشتن مانند طراحی باید به راحتی و بی‌پروایی شکل بگیرد دست از حرکت روی کاغذ نترسد و اثر منحصر به فرد شما بر کاغذ شکل بگیرد اگر با ترس بنویسید ذوق نوشتن از شما گرفته می‌شود مثل بچه‌ای که تازه حرف زدن یاد گرفته است و همه چیز را پس و پیش و پر از غلط می‌گوید اگر قرار بود از همان ابتدا به نوزاد بگوییم این چه طرز حرف زدن است و په په یعنی چه؟ درست بگو غذا می‌خواهم و دائم از او ایراد می‌گرفتیم آن بچه هرگز زبان‌باز نمی‌کرد پس هرگز زمان نوشتن به خودتان سخت نگیرید و هر آنچه در ذهن دارید را آزادانه روی کاغذ پیاده کنید و سپس در مرحله‌ی ویرایش با سخت‌گیری و جدیت تمام متن خود را شخم بزنید و از دل آن متنی تمیز و روان بیرون بکشید. علت ویرایش یک متن مدتی بعد از تولید آن این است که شما با بیرون آمدن از آن فضای احساسی که در هنگام نوشتن داشتید به خودتان فرصت می‌دهید که مانند یک فرد بی‌طرف متن خود را مرور کنید این باعث می‌شود مثل یک مخاطب با متن خود روبه‌رو شوید اگر همان لحظه برای ویرایش اقدام کنید به دلیل رابطه‌ی احساسی بین شما و نوشته‌تان از جملات تکراری نمی‌گذرید و نمی‌توانید کلمه‌ای را به خاطر کلمه‌ای دیگر قربانی و حذف کنید ولی بعد از مدتی این احساسات کمتر خواهد بود و نگاه نقادانه شما به نوشته‌ی خودتان بیشتر است.

روش‌هایی برای بازنویسی و ویرایش متن:

- یادگیری دستور زبان فارسی این موضوع سخت است ولی برای یک نویسنده کتاب‌های داستانی این یکی از عاملین مطرح‌شدن

کتابش خواهد بود نگران نباشید و این کار را در حین نوشتن یاد بگیرید توجه کنید که هر چیزی را از دستور زبان نمی‌دانید و یا از آن مطمئن نیستید در گوگل جستجو کنید و در مورد آن مطمئن شوید و بعد در کتاب خود استفاده کنید.

- متن را با صدای بلند بخوانید قبلاً هم گفتیم این کار باعث می‌شود خطاهای نوشتاری خودشان را نشان دهند.

- هر بار متن را به منظور اصلاح یک چیز بازخوانی کنید با این کار تمام تمرکز خود را برای پیدا کردن ایرادات متن در رابطه با همان موضوعی که انتخاب کرده‌اید می‌گذارید. مثلاً یک بار بر روی اعداد داخل متن فوکوس کنید و تمام متن را به این منظور بازخوانی و اصلاح کنید. اعداد می‌توانند سن افراد باشند که باید دقیق و درست بیان کرده باشید، می‌توانند نتایج آماری و یا تاریخ‌ها باشند. یک بار متن را از لحاظ توصیف فضاها بازخوانی کنید و دقت کنید که آیا در تمام فضاهای داستان به خوبی توانسته‌اید چشم‌اندازی درست از صحنه برای مخاطب بسازید؛ و این گونه هر بار متن را از زاویه‌ای نگاه و ویرایش کنید.

- متن را با کمک نرم‌افزار ویراستیار که روی نسخه ۲۰۰۷ ورد قابل نصب است ویرایش کنید.

برخی تمرینات برای بیشتر نوشتن

ضبط صدا: می‌توانید در هنگام ایده پردازی برای داستان صدایتان را ضبط کنید و بعد از روی صدای خود بنویسید که امروز این کار باهوش مصنوعی هم انجام می‌شود. توضیحات شفاهی همیشه بهتر از کتبی مطلب را می‌رسانند انسان‌ها همیشه با حرف زدن بهتر از نوشتن منظورشان را می‌رسانند و در کل راحت‌تر و رهاتر از زمانی که می‌نویسند می‌توانند صحبت کنند و ما می‌توانیم از این موضوع در جهت بهتر نوشتن بهره ببریم.

رونویسی: در هنگام مطالعه آثاری که به بهتر نوشتن داستان ما کمک خواهد کرد رونویسی از آن‌ها و یا همان مشق نویسی، به درک بیشتر موضوع کمک می‌کند.

جمله به جمله نوشتن از چیزی که در ذهنمان است: اگر نمی‌توانید در مورد یک موضوع یک صفحه کامل بنویسید شروع به نوشتن جمله‌های پی‌درپی و پشت سر هم از آن موضوع کنید و سپس یک متن واحد را از دل آن جملات بیرون بکشید.

تا آخر صفحه حتماً بنویسید: متعهد باشید که روزی هزار کلمه حتماً بنویسید اگر کمتر از سه صفحه نوشته‌اید حتماً خود را مجبور کنید که صفحه سوم را نیز تمام کنید.

استعاره بازی: تعریف یک موضوع با شباهت دادن آن به موضوعی دیگر که برای مردم آشناست ولی شاید ظاهراً آن دو موضوع به هم بی‌ربط باشند با این کار بهتر می‌توانید هر چیزی را در داستان توصیف کنید.

فهرست سازی: فهرستی از غذاهای دوست‌داشتنی، از اولین تجربیات، اولین معلم، اولین بار افتادن در آب، فهرست چیزهایی که شمارا خوشحال می‌کند، فهرست افرادی که در یک زمینه تأثیرگذار هستند، فهرست‌های متفاوت بسازید و آن‌ها را در یک فایل ورد ذخیره کنید این فهرست‌ها هنگام ایده پردازی برای داستان کارآمد هستند. جمع‌آوری تیترها و نوشتن از آن‌ها: زمانی که نمی‌دانید از چه چیزی بنویسید نگاهی به تیترهای جمع‌آوری شده از کتاب‌ها، روزنامه‌ها، پوسترها و غیره بیندازید و شروع به نوشتن از آن‌ها کنید. نوشتن جملات قصار: جملات می‌توانند مخالفت برانگیز، کوتاه و اکثراً بی‌منطق باشند اما خلاقیت شما را بالا می‌برند.

افزایش دامنه لغات: از یک صفحه‌ی کتابی که دوستش دارید کلمه برداری کنید و سپس با آن کلمات یک متن جدید بنویسید. سؤال نویسی: چه خواهد شد اگر سؤال‌های زیادی بنویسید بدون اینکه به جواب آن‌ها فکر کنید در روزهای آتی جواب هر کدام از آن‌ها یک متن و یک موضوع برای نوشتن خواهد شد.

گسترش متن: یک کاغذ را بردارید و به قسمت‌های مختلف تقسیم کنید در هر قسمت یک کلمه بنویسید و سعی کنید کل قسمت را درباره‌ی آن کلمه پر کنید این تمرین ذهن نویسنده را برای گسترش متن تقویت می‌کند.

تمرین دیالوگ نویسی: دو شخصیت کاملاً متضاد را در نظر بگیرید و یک دیالوگ ۵۰۰۰ کلمه‌ای بین آن‌ها درباره یک موضوع بنویسید دقت کنید هر حرفی که توسط یکی از آن‌ها زده می‌شود باید توسط دیگری نقض شود؛ گاهی این دیالوگ‌ها آن قدر ادامه‌دار می‌شود که در نهایت متوجه می‌شویم یک مسیر دایره‌ای طی شده است و کسی

که از ابتدا موافق موضوع بود مخالف شده است و کسی که از ابتدا مخالف موضوع بود در انتها موافق گشته است.

فهرست مشاغل: مشاغل یک منبع غنی برای خلق ایده‌های داستانی هستند. فهرستی از مشاغلی که اطرافیان‌تان دارند تهیه کنید و هر بار در مورد جزئیات یکی از آن‌ها و خصوصیات اخلاقی دارنده آن شغل سه صفحه بنویسید.

فصل سوم: چطور کتابم را چاپ کنم؟

این مرحله از کار برون سپاری است و به وجود شما جز برای نظر
پرسی نیازی نیست شما باید فایل ورد یا نوشته‌های خطی خود را
به دست ناشر بسپارید.

ناشر:

دقت کنید که هنگام قرارداد با ناشر حق انتشار نسخه فیزیکی،
الکترونیکی و صوتی کتاب تماماً متعلق به صاحب اثر یعنی شما باشد
این‌گونه شما سرمایه‌گذار کتاب خودتان خواهید شد اگر ناشر روی
کتاب شما سرمایه‌گذاری کند فقط هشت درصد از حق انتشار به
شما تعلق خواهد گرفت.

ویراستاری:

در مرحله بعد در صورت لزوم ناشر فایل ورد کتاب شما را به
ویراستار تحویل می‌دهد تا همان‌طور که میدانید نوشته‌های شما
از لحاظ دستوری و نگارشی ویرایش شوند.

صفحه‌آرایی:

سپس فایل ویرایش شده به دست صفحه‌آرا سپرده می‌شود
تا چیدمان متن و در صورت نیاز تصویر، شماره‌گذاری صفحات و
حاشیه‌ها، جداول و باکس‌ها طراحی شود که توسط نرم‌افزار ورد
و یا ایندیزاین انجام می‌شود. در این مرحله باید از سایز کتاب خود
مطمئن شوید برای انتخاب قطع کتاب توضیحات زیر را مطالعه کنید:
انتخاب قطع کتاب:

بررسی انواع قطع‌های کتاب و کاربردهای هر یک از آنها

۱- قطع سلطانی یا تیموری

ابعاد کاغذ این قطع در حدود ۳۴ در ۴۹ سانتی‌متر است. اگر قصد
چاپ کتاب‌های نفیس باشد معمولاً از این قطع استفاده می‌شود.

۲- قطع وزیری

ابعاد کاغذ در این قطع ۱۷ در ۲۳ سانتی‌متر است که عموماً برای چاپ کتاب‌های درسی موجود در بازار از قطع وزیری استفاده می‌شود.

۳- قطع رقی

اندازه کاغذ در قطع رقی ۱۴ در ۲۱ سانتی‌متر است و کاربرد بسیار زیادی در چاپ کتب رمان دارد.

۴- قطع رحلی بزرگ

ابعاد کاغذ در این قطع معمولاً ۲۳ در ۳۳ سانتی‌متر است که برای چاپ مجلات و آگهی‌نامه‌های عموماً از این قطع بهره می‌برند.

۵- قطع رحلی کوچک

اندازه کاغذ در قطع رحلی کوچک ۲۹ در ۲۱ سانتی‌متر است که مشابه با اندازه یک برگ کاغذ A۴ است. از این قطع برای چاپ ماهنامه و مجلات و حتی برخی کتب درسی استفاده می‌شود.

۶- قطع خستی کوچک

اندازه کاغذ در این قطع ۱۶.۵ در ۱۶.۵ سانتی‌متر است. معمولاً جهت چاپ کتاب‌های داستانی کودکان از این قطع بیشتر استفاده می‌شود.

۷- قطع خستی بزرگ

اندازه کاغذ در این قطع ۲۳ در ۲۳ سانتی‌متر است که مانند قطع خستی کوچک برای چاپ کتاب‌های داستانی کودکان بیشتر استفاده می‌شود.

۸- قطع نیم جیبی

سایز کاغذ در این قطع حدود ۱۰ در ۱۴ است که برای چاپ

کتاب‌ها و دفاتر یادداشت کوچک بسیار کاربردی است.

۹- قطع جیبی

اندازه کاغذ در این قطع ۱۱.۵ در ۱۶.۵ است. این سایز دقیقاً مانند قطع جیبی کوچک برای چاپ کتاب‌ها و دفاتر یادداشت کوچک بسیار کاربردی است.

۱۰- قطع پالتویی

اندازه کاغذ در این قطع ۱۰ در ۱۹.۵ و ۱۱.۵ در ۲۲ سانتیمتر است. این قطع برای چاپ مطالب بلند که دارای عرض کم هستند استفاده می‌شود.

در تصویر زیر به اندازه برخی دیگر از قطع‌ها و مقایسه بین آن‌ها پرداخته‌ایم.

توصیه:

اگر از ابتدا قطع کتاب موردنظر خود را انتخاب کنید هنگام تایپ در ورد صفحه را با سایز موردنظر خود انتخاب کرده و در زمان نوشتن کتاب همواره میدانید چند صفحه کتاب نوشته‌اید و دیگر مشکل کم‌حجم بودن کتاب را بعد از ارسال به ناشر نخواهید داشت لازم به ذکر است حداقل تعداد صفحات برای چاپ یک کتاب سی صفحه است و قطع پرکاربرد برای اکثر کتاب‌ها رقعی است.

تصویرسازی:

اگر احساس می‌کنید برای درک مفهوم بیشتر کتاب شما نیاز به تصویر دارد در همین مرحله یعنی صفحه‌آرایی باید تصاویر را به صفحه‌آرا بدهید توصیه می‌کنم از ابتدای قرارداد با ناشر این مسئله را مطرح کنید و برای سرعت کار از همان ابتدا در تعامل با طراح نسبت

به تهیه طرح‌های کتابتان اقدام کنید.

طراحی جلد:

هم‌زمان با این مراحل اگر از انتخاب نام کتاب خود مطمئن هستید می‌توانید در تعامل با طراح، مراحل طراحی جلد کتاب خود را نیز پیش ببرید جلد کتاب مانند ویتترین یک مغازه است و اولین چیزی است که افراد از کتاب شما خواهند دید بنابراین آن را به یک طراح خوب بسپارید؛ می‌توانید یک عکس مناسب از خود به همراه بیوگرافی‌تان را در پشت جلد قرار دهید همچنین راه‌های ارتباط با نویسندگان، بخشی از کتاب، معرفی دیگر کتاب‌های چاپ‌شده نویسنده و تأییدیه‌های اساتید که کتاب را به دیگران توصیه کرده‌اند را در پشت جلد قرار دهید.

نمونه طراحی‌های جلد انتشارات قلعه شنی را می‌توانید از طریق سایت mahbubehbahari.ir مشاهده کنید.

جواز:

مابقی کارها مانند گرفتن شابک و جواز نشر کتاب توسط ناشر انجام می‌شود و بعد از آن نام کتاب شما به صورت رسمی در سایت کتابخانه ملی ثبت خواهد شد.

اعلام وصول:

مطمئن شوید که بعد از چاپ، کتاب شما حتماً اعلام وصول شود و در سایت اهل قلم توسط ناشر ثبت گردد برای این کار باید حداقل سه جلد از کتاب را برای ناشر ارسال کنید.

تبلیغات و فروش:

برای فروش نسخه الکترونی کتاب خود می‌توانید از پلتفرم‌های مختلف در ایران استفاده کنید که معروف‌ترین آن‌ها پلتفرم طاقچه، فیدیبو، کتاب راه است که این کار قبلاً توسط خود نویسنده صورت

می‌گرفت اما الآن باید از طریق ناشر این کار انجام شود.

شما می‌توانید خودتان بازاریاب کتابتان باشید برای فروش نسخه فیزیکی کتاب خود می‌توانید از سایت شخصی، صفحه اینستاگرام، کانال تلگرام و همچنین پلتفرم‌های فروش نسخه فیزیکی استفاده کنید.

بهتر است این موضوع را بدانید که حرف اول را در فروش کتابتان تبلیغات خواهد زد برگزاری جشن رونمایی و امضاء کتاب، شرکت در همایش‌ها و سمینارهای مرتبط با موضوع کتابتان و آشنا شدن با افرادی که در آن زمینه فعالیت می‌کنند، استفاده از افراد سرشناس ترجیحاً مرتبط با موضوع کتاب برای توصیه کتابتان به دیگران، همه به پرفروش بودن کتاب شما کمک خواهد کرد علاوه بر این برند سازی یکی از تأثیر گزار ترین راه‌ها برای فروش کتابتان خواهد بود. در کشور ما تمام تلاش ناشران مطرح چاپ کتاب‌های پرفروش خارجی و ترجمه آن‌هاست ناشران سرشناس کمتر اهمیتی به نویسندگانی درون مرز می‌دهند و فقط حاضر به چاپ کتاب‌های تعداد اندکی از نویسندگانی معروف ایرانی هستند و تازه مشکل اینجاست که این ناشران حق نشر و تألیف کتاب را به خود نویسنده نخواهند داد.

چک‌لیست کتاب

آیا در کتابتان از داستان، خاطره، ضرب‌المثل و خود افشایی استفاده شده است؟ (شکست‌ها/پیروزی‌ها/نقاط عطف/چالش‌ها/نحوه عبور از چالش‌ها)

آیا برای مفاهیم کتاب از شعر، ضرب‌المثل و نقل‌قول مرتبط استفاده شده است؟

آیا در کتابتان به منابع برای مطالعه بیشتر اشاره کرده‌اید؟ (سایت، کتاب، مقاله، مجله و...)

آیا در کتابتان از مصاحبه استفاده کرده‌اید؟

آیا کتابتان پرسشنامه دارد؟

آیا به اشتباهات رایج و متداول در زمینه موضوع کتابتان اشاره شده است؟

آیا منابع استفاده شده در کتاب ذکر شده است؟

آیا در کتابتان از تصاویر، جداول و نمودار استفاده شده است؟

آیا در کتابتان از تمرینات و اقدامات عملی استفاده شده است؟

آیا مطالب مهم در باکس و کادر قرار داده شده است؟

آیا محتوای کتابتان مثال و مصداق دارد؟

آیا محتوای کتاب با نرم‌افزار ویراستیار ویراستاری شده است؟

آیا محتوای کتاب توسط ویراستار بررسی شده است؟

آیا عنوان و زیر عنوان برای کتاب در نظر گرفته شده و نظرات افراد درباره آن‌ها پرسیده شده است؟

آیا حداقل از سه نفر برای کتاب تأییدیه گرفته شده است؟

آیا هر شش آیت‌م در نوشتن مقدمه رعایت شده است؟ (موضوع، مخاطب، نویسنده، دستاورد مخاطب، بخش‌های کتاب و مزیت رقابتی کتاب)

آیا کتاب صفحه تقدیم به عزیزان (در اول کتاب) و تقدیر و تشکر (در انتهای کتاب) دارد؟

آیا تصویر مناسب شما در پشت جلد کتاب قرار دارد؟

آیا گرفتن اطلاعات مخاطبین و دادن هدیه به آن‌ها در کتاب پیش بینی شده؟

آیا راه‌های ارتباطی با نویسنده در ابتدا، انتها و پشت جلد کتاب درج شده است؟

آیا بند (امتیاز کتاب متعلق به نویسنده است) در قرارداد با ناشر لحاظ شده است؟

آیا کتاب در پلتفرم‌های الکترونیکی قرار داده شده است؟ (عمدتاً کتاب راه، طاقچه و فیدیو و ...)

آیا کتابتان برای فروش در کتاب راه، شنوتو، نوار و... صوتی شده است؟

آیا کتاب چاپ شده توسط ناشر اعلام وصول شده است؟

آیا کتاب در اینستاگرام و تلگرام و وبسایت خودتان عرضه می‌شود؟

آیا کتابتان را در همایش‌های عمومی و مکان‌های آفلاین برای فروش قرار داده‌اید؟

تقریباً آن چیزی که در ابتدای نویسندگی باید بدانی این پی‌دی‌اف
باهدف ترویج فرهنگ مکتوب به‌رایگان در اختیار شما قرار گرفته است
و رایگان بودن آن چیزی از کیفیت مطالب کم نمی‌کند.

اگر با خواندن این کتاب هنوز نتوانسته‌اید کتاب بنویسید و احساس
می‌کنید به یک استاد در این رابطه نیازمندید دوره غیرحضوری کتاب
نویسی را ثبت‌نام کنید و از مشاوره رایگان ما هم بهره‌مند شوید.

برای ثبت‌نام دوره غیرحضوری کتاب نویسی
به شماره ۰۹۳۸۱۷۸۷۵۰۲ در واتس آپ پیام دهید
یا با شماره ۰۹۱۲۵۶۸۹۰۴۵ تماس بگیرید.

سوالات و نظرات خود را با ما در میان بگذارید آدرس سایت:

mahbubehbahari.ir

